ما شاء اللہ لا قوۃ الا باللہ

از تصانیف عارف باللہ سر آمد اہل اللہ قاضی ثناء اللہ پانی پتی رحمۃ اللہ علیہ

# حقیقۃ الاسلام

در حاشیہ رسالہ مسمی بہ استفسار

# اخذ اجرت بر قرآن

بفرمایش تاجران نامی فقیر اللہ و عبد العزیز و ابن احمد جابر وفقہم اللہ تعالیٰ سعیا

در مطبع محمدی واقع لاہور مطبوع گردید

# بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العلمین الرحمن الرحیم ملک یوم الدین والصلوة والسلام علی سید المرسلین وامام المتقین خیر خلق الله اجمعین وعلی اله واصحابه سرج الدین ونجوم الطریق المستقیم

بدان اسعدک الله تعالی فی الدارین که اسلام کامل عبارتست از آنکه تسلم کل ذی حق حقه یعنی آنکه هر صاحب حق را سالم و کامل ادا کنی بی تقصیر و فتور قسم اول از حقوق حق الله است اول حق الله تعالی ادا کنی که وجود و توابع وجود هر چه هست عطای اوست لا شریک له هر نفسی که فرو میرود ممد حیاتست و چون بر می آید مفرح ذات پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب است از دست و زبان که بر آید * کز عهده شکرش بدر آید * پس اگر توفیق شکر نعمتی از نعماء یابی خواه بزبان یا بجوارح یا دل از مواهب اوست تعالی شانه توفیق شکر هم از مواهب اوست پس در هر شکر چندین شکر واجب میشود و پیش هیچ از عهده شکر او تعالی محالست مستلزم تسلسل قال الله تعالی وَاِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللهِ لَا تُحْصُوهَا اِنَّ اللهَ لَغَفُورٌ رَّحِیمٌ یعنی اگر بشمرید نعمتهای خدا را نتوانید احاطه کرد بدرستیکه حق تعالی بخشنده مهربان است در کلمه غفور رحیم اشارتست بدانکه حق تعالی بفضل و رحمت خود تکلیف مالا یطاق نداده و ادای حق شکر بخشیده و معاف فرموده و بقدر وسع شکر واجب ساخته هر کسیکه بقدر طاقت انسانی در ادای شکر او کوشید بفضل و رحمت خود او را شکور بصیغه مبالغه خوانده چنانچه در حق نوح علیه السلام فرموده اِنَّهُ کَانَ عَبْدًا شَکُورًا یعنی بود نوح علیه السلام بنده بسیار شکر کننده و هر که در مقدور خود از شکر او تقصیری ورزد سخت ظالم و بنهایت کافر نعمت باشد که در شکر نعمتهای غیر متناهی چنین منعم ازلی شکر یعنی از مقدور تقصیر کرده قال الله تعالی وَاِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللهِ لَا تُحْصُوهَا اِنَّ الْاِنْسَانَ لَظَلُومٌ کَفَّارٌ یعنی اگر بشمرید نعمتهای خدا را نتوانید احاطه کرد بدرستیکه انسان یعنی اکثر شان هر آینه سخت ظالم و بسیار کافر نعمت نعمتهای او را لیکن قادر نمی اند شکری که از بندگان مطلوبست آنست که او سبحانه را بصفات کمال الهی

نفس الامر بقدر طاقت بشری بشناسند و از اعتقادات و اخلاق و اعمال آنچه مرضیات اوست
بوجود آرند آنچه که بر ذمه عباد از آن واجب ساخته است آنرا بصفات کمال ادا سازند و از
مکروهات و منهیات جناب او پرهیز کنند و رضای او تعالی بر رضامندی نفس خود
و رضای هر مخلوق مقدم دارند تا بروز عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ شرمسار نگردند
یعنی نفس هر کس در روز قیامت خواهد دانست که چه چیز را مقدم داشته و چه چیز را موخر
کرده رضای نفس بر رضای خدا یا رضای خدا بر رضای نفس قال الله تعالی
قُلْ إِن كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا
وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُم مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ
فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ یعنی بگو ای محمد اگر باشند پدران شما و پسران
شما و برادران شما و زنان شما و قبایل شما و مالهایی که کسب کرده اید و سوداگری که میترسید
از فوت شدن منفعت آن و خانهایی که پسند شماست دوست تر نزد شما از خدا و رسول او
و جهاد کردن و کوشش نمودن در مرضیات او پس منتظر باشید وقت آمدن امر و قضای
او بعذاب در دنیا یا در آخرت مسلمانرا باید که هر کرا دوست دارد برای خدا دوست دارد
و هر کرا دشمن دارد برای خدا دشمن دارد و هر کرا چیزی بدهد برای خدا بدهد و هر کرا ندهد برای
خدا ندهد و لقمه اگر در دهن خود یا در دهن زن یا فرزند خود نهد باین نیت دهد که حقتعالی
بر من واجب کرده است رسول فرمود مَنْ أَحَبَّ لِلَّهِ وَأَبْغَضَ لِلَّهِ وَأَعْطَىٰ لِلَّهِ وَمَنَعَ
لِلَّهِ فَقَدِ اسْتَكْمَلَ الْإِيمَانَ ابوداود از ابی امامه و ترمذی از معاذ این حدیث را روایت
کردند یعنی هر که دوست دارد برای خدا و دشمن دارد برای خدا و بدهد برای خدا و ندهد برای خدا
پس بدرستیکه ایمان خود را کامل کرده و رسول فرمود إِذَا أَنْفَقَ الْمُسْلِمُ نَفَقَةً عَلَىٰ أَهْلِهِ
وَهُوَ يَحْتَسِبُهَا كَانَتْ لَهُ صَدَقَةً متفق علیه عن ابن مسعود یعنی اگر خرچ کرد مسلم بر اهل خانه
خود بنیت عبادت باشد او را صدقه فصل چون شناختن ذات و صفات و مرضیات و
مکروهات حق سبحانه و تعالی بے توسط پیغمبران صورت نه بندد و عقل در آن کافی نیست ازینجهة
ایمان بکتب الهی و رسل و بما جاء به الرسل داخل ایمان حق شده رسول فرمود صلعم فرستادگان
قبیله عبد القیس را أَتَدْرُونَ مَا الْإِيمَانُ بِاللَّهِ وَحْدَهُ یعنی میدانید که ایمان بخدا چیست
تنها گفتند خدا و رسول او دانا تر فرمود شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَٰهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ

[illegible] رسالت محمد رسول الله متفق علیه عن ابن عباس و اطاعت
رسول الله اطاعت خدا گشته قال الله تعالی مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ اَطَاعَ اللّٰهَ یعنی هرکه
فرمان برداری کند رسول را او فرمان برداری خدا کرد و محبت رسول الله صلعم در رنگ محبت
خدا بلکه عین محبت او تعالی شده رسول فرموده صلعم لَا يُؤْمِنُ اَحَدُكُمْ حَتّٰى اَكُوْنَ اَحَبَّ
اِلَيْهِ مِنْ وَّالِدِهٖ وَوَلَدِهٖ وَالنَّاسِ اَجْمَعِيْنَ متفق علیه عن انس یعنی ایمان یکی از
شما صحیح نباشد تا دوست تر باشم نزد او از والد و فرزند او و از تمام آدمیان پس ادای حق
رسول الله صلعم هم از طوق بشر خارج است اما مطلوب بقدر طاقت و آن امتثال اوامر و
نواهی اوست و کثرت صلوة و سلام بروی و محبت به آل و اصحاب او فصل پس بدانکه
چون شناختن ذات و صفات و مرضیات و مکروهات بتوسط رسول صلعم رسیده خصوصًا
بسعی خلفاء راشدین دین قوت و رونق گرفته و اقوال و افعال او علیه السلام که بعضی صحابه
را معلوم بود و اکثر را معلوم نبود از سعی آنها شهرت گرفته مسائل خلافیه مجمع علیه گشته که
در هر مسئله صحابه را جمع کرده تحقیق کرده شده و پنج میکردند پس ادای حق صحابه و اهلبیت علیهم
ادای حق رسولیت و محبت و طاعت شان مثل محبت و اطاعت رسول صلعم گشته فرموده
رسول صلعم مَنْ اَحَبَّهُمْ فَبِحُبِّيْ اَحَبَّهُمْ وَمَنْ اَبْغَضَهُمْ فَبِبُغْضِيْ اَبْغَضَهُمْ وَمَنْ اٰذَاهُمْ فَقَدْ
اٰذَانِيْ وَمَنْ اٰذَانِيْ فَقَدْ اٰذَى اللّٰهَ رواه الترمذی عن عبد الله بن مغفل و فرموده
اِقْتَدُوْا بِالَّذَيْنِ مِنْ بَعْدِيْ اَبِيْ بَكْرٍ وَّعُمَرَ رواه مسلم والترمذی عن حذیفه یعنی هرکه
دوست دارد اصحاب را پس بدوستی من آنها را دوست داشته و هرکه آنها را دشمن
داشته پس بدشمنی من آنها را دشمن داشته و هرکه آنها را ایذا کرده پس بدبختی مرا ایذا کرده
و هرکه مرا ایذا کرده پس بدبختی که خدا را ایذا کرده و فرموده پیروی کنید ابوبکر و عمر که بعد
من باشند ابوبکر و عمر و فرموده عَلَيْكُمْ بِسُنَّتِيْ وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِيْنَ مِنْ بَعْدِيْ
یعنی لازم گیرید سنت من و سنت خلفاء الراشدین را که بعد من باشند و فرموده اَنَا مَدِيْنَةُ
الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا رواه الطبرانی والحاکم عن ابن عباس من شهر علمم و علی دروازه است
و فرموده اِنِّيْ تَارِكٌ فِيْكُمُ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللّٰهِ وَعِتْرَتِيْ رواه احمد والطبرانی عن زید بن
ثابت یعنی میگذارم بعد خود نزد شما دو وسیله محکم یکی قرآن دوم عترت خود و فرموده صلی
الله علیه وسلم خُذُوْا نِصْفَ الْعِلْمِ مِنْ هٰذِهِ الْحُمَيْرَاءِ بگیرید نصف علم ازین حمیراء یعنی

عائشه رضی الله تعالی عنها فرمود صلی الله علیه وسلم أصحابي كالنجوم بأيهم اقتديتم
اهتديتم رواه رزين عن عمر رض یعنی اصحاب من مانند ستارگان اند هر که از آنها پیروی
کنند بهدایت رسید همچنین احادیث بسیارند فصل همچنین ادای حق علما محدثین و
فقهای مجتهدین و مصنفان کتب دین و سلسلهٔ استاذهٔ علوم ظاهر و پیران استاذهٔ علوم باطن
در رنگ حق صحابه و اهلبیت داخل ادای حق خدا و رسول است که اینها وارثان پیغمبر و حاملان
دین اند قال رسول [الله صلی الله] علیه وسلم إن العلماء ورثة الأنبياء وإن الأنبياء لم يورثوا
دينارا ولا درهما وإنما ورثوا العلم رواه اصحاب السنن عن كثير بن قيس یعنی بدرستیکه
علما وارثان انبیا اند و بدرستیکه انبیا میراث نگذاشته اند دینار و نه درهم را و جز این نیست
که میراث گذاشته اند علم را و قال علیه السلام فضل العالم على العابد كفضلي على أدناكم ثم
تلا إنما يخشى الله من عباده العلماء رواه الترمذي عن أبي امامة والدارمي عن مكحول
والحسن مرسلا یعنی فرمود آنحضرت فضیلت عالم بر عابد مانند فضیلت منست بر ادنی مسلمان
پس تر خواند آیه یعنی نمی ترسند از خدا از جمله بندگان او مگر عالمان و فرمود رسول صلی الله علیه
وسلم إنما بعثت معلما یعنی حق تعالی مرا نفرستاده است مگر برای تعلیم کردن و رسول فرمود
صلی الله علیه وسلم الله أجود جودا وأنا أجود بني آدم وأجودهم بعدي رجل علم
علما فنشره يأتي يوم القيامة أمة واحدة رواه البيهقي عن انس یعنی الله تعالی
جواد تر است و من جواد ترین آدمیانم و جواد تر آدمیان بعد من مردی باشد که علم آموخت و
در مردم پراگنده کرد روز قیامت بیاید جماعتی تنها ظاهر مراد آنست که هر چند امتی است نبی
نیست که امت او هم باشد اما جماعت تلامذه مثل امت باشند و فرمود رسول صلی الله علیه
وسلم يوزن يوم القيامة مداد العلماء ودم الشهداء فيرجح مداد العلماء على دم
الشهداء رواه الذهبي عن عمران بن حصين یعنی وزن کرده خواهد شد روز قیامت
سیاهی علما و خون شهیدان پس سیاهی علما غالب شود بر خون شهیدان اطاعت علما و
اولیا اطاعت خدا و رسول است صلی الله علیه وسلم و محبت شان قال الله تعالی یا ایها
الذين آمنوا أطيعوا الله وأطيعوا الرسول وأولي الأمر منكم یعنی فرمان برداری
کنید خدا را و رسول خدا را و کسانی را که امر خدا به بندگان میرسانند یعنی رسول الله صلی الله
علیه وسلم و اصحاب و اهلبیت او علیهم السلام و علمای ظاهر و باطن بندگان خدا اند حقوق

شان اخل حقوق العباد است اما حق است حق الله تعالی اگر اینها نبودند کسی خدا را نشناختی
و حق ابدا ادا نمیکرد و رسول فرمود لولا هلا نا الله ما اهتدینا ولا تصدقنا ولا صلینا
یعنی اگر نمی بود هدایت خدا بانزال کتب و ارسال رسل کسی هدایت نمی یافت و کسی ادای حق کرده نماز
نمیکرد اینها مستغرق اند در ذکر خدا از دیدن اینها خدا یاد می آید و دوستی و دشمنی با خدا است و در حدیث
قدسی آمده من عادی ولیا فقد اذنته بالحرب رواه البخاری عن ابی هریرة یعنی هر که دشمنی
کند با ولی من پس خبردار میکنم او را با جنگ کردن با من و نیز در حدیث قدسی آمده اولیائی من
عبادی الذین یذکرون بذکری واذکر بذکرهم رواه البغوی یعنی اولیای من
از بندگان من کسانی هستند که یاد کرده شوند بیاد کردن من و من یاد کرده میشوم از یاد کردن آنها
همچنین در حدیث نبوی آمده صلی الله علیه وسلم قسم دوم قسمی دیگر از حقوق العباد حق کسانی
است که مظهر بعضی از حقوق الله آمده اند و ظاهراً واسطه افتاده اند در ایجاد و پرورش و رزق
رسانیدن و مانند اینها چنانچه مادر و پدر و اجداد و جدات و کسانیکه در ظاهر حقتعالی بتوسط شان
روزی رسانید یا از آنها پرورش کنانید یا نوعی از انعام مالی یا راحت بدنی یا عزت یا منفعتی از
منافع بتوسط شان رسانید شکر اینها هم مثل مادر و پدر واجب است رسول فرموده من لم یشکر الناس لم یشکر
الله رواه مسلم والترمذی عن ابی سعید الخدری یعنی هر کس که شکر آدمیان نکند شکر خدا نکرده فصل
در ذکر آن حقوق والدین است قال الله تعالی ووصینا الانسان بوالدیه حملته امه وهنا علی وهن
وفصاله فی عامین ان اشکر لی ولوالدیک یعنی امر کردیم انسان را آنکه نکوئی کند با مادر و پدر
نکوئی کردنی با او را مادر در شکم برداشت او را بمشقت بر مشقت و دو سال او را شیر داده و شکر کن
برای من و برای مادر و پدر خود این حکم در قرآن چندجا آمده رسول در کبایر ذکر کرده اشراک و عقوق
والدین متفق علیه عن عبد الله بن عمرو عقوق عبارتست از ایذا کردن و نافرمانی کردن یعنی عق
بالشیء شق و قطع است ضد بر و صله و احمد از معاذ بن جبل روایت کرده که رسول به ده چیز وصیت
کرده از آنجمله گفت لا تشرک بالله شیئا وان قتلت او حرقت ولا تعقن والدیک وان امراک
ان تخرج من اهلک ومالک الحدیث یعنی شریک مکن بخدا چیزی را اگرچه کشته و سوخته شوی
و نافرمانی والدین مکن اگرچه امر کنند ترا بآنکه بیرون شوی از اهل و مال خود و در صحیحین از ابی هریرة
روایت کرده که مردی از رسول صلی الله علیه وسلم پرسید که زیاده حق برای نیکو صحبتی کیست فرمود مادر
مادر تو گفت پستر کیست فرمود مادر تو گفت پستر کیست گفت مادر تو گفت پستر کیست گفت پدر تو پستر اقرب

بعد اقرب و رسول فرمود رغم انفه رغم انفه رغم انفه یعنی سه بار فرمود خاک آلوده باد بینی او
گفتند آن کیست یا رسول الله فرمود من ادرک والدیه عند الکبر احدهما او کلاهما ثم لم
یدخل الجنة رواه مسلم عن ابی هریرة یعنی کسیکه مادر و پدر را یا یکی را پیر دریافت و داخل بهشت
نشد و ترمذی از ابن عمر روایت کرده که مردی گفت یا رسول الله از من گناهی عظیم بوقوع آمده
توبه من چگونه باشد فرمود ترا مادر هست گفت نه فرمود که خاله است گفت هست فرمود با وی نکوئی
کن و قال رسول الله من اصبح مطیعا لله فی والدیه اصبح له بابان مفتوحان من
الجنة وان کان واحدا فواحدا ومن امسی عاصیا لله فی والدیه اصبح له بابان مفتوحان
من النار وان کان واحدا فواحدا هرکه باشد فرمانبردار خدا در ادای حقوق والدین باشند برای او
دو دروازه گشاده بسوی بهشت و اگر یکی باشد یکی باشد و هرکه باشد نافرمان خدا در ادای حقوق
والدین باشند برای او دو دروازه گشاده بسوی آتش و اگر یکی باشد یکی باشد مردم گفتند یا رسول
الله اگرچه پدر و مادر بروی ظلم کنند فرمود وان ظلماه وان ظلماه وان ظلماه یعنی سه بار گفت
اگرچه بروی ظلم کنند و فرمود صلی الله علیه وسلم ما من ولد بار ینظر الی والدیه نظرة رحمة
الا کتب الله له بکل نظرة حجة مبرورة یعنی نیست هیچ پسر نیک که نظر کند بسوی والدین
بمهر مگر آنکه بنویسد حق تعالی برای او عوض هر نظر ثواب یک حج پاکیزه از گناه مردم گفتند یا رسول الله
اگرچه ببیند هر روز صد بار فرمود نعم الله اکبر واطیب یعنی آری حق تعالی بزرگتر است و خوشتر
روایت کرده بیهقی و حدیث را بیهقی از ابن عباس شخصی گفت یا رسول الله من اراده جهاد دارم
فرمود که ترا مادر هست گفت هست فرمود که خدمت او باش بهشت نزد قدم او است حدیث
نبوی ان الجنة تحت اقدام امهاتکم روایت کرد ابن ماجه بیهقی از معاذ بن جابر ابن
عمر گفت یا رسول الله مرا زنی است که من او را دوست میدارم و پدرم او را مکروه میدارد فرمود
که او را طلاق ده و ترمذی و ابو داود روایت از ابن عمر آورده مردی از رسول پرسید که حق
مادر و پدر چیست فرمود که آنها بهشت و دوزخ تواند ابن ماجه این را از ابی امامه روایت کرده
مردی پیش رسول آمد و گفت پدر من محتاج است بسوی مال من یعنی میخواهد که مال من بگیرد فرمود
انت ومالک لابیک ان اولادکم من اطیب کسبکم کلوا من کسب اولادکم رواه ابو داود
و ابن ماجه عن عمرو بن شعیب عن ابیه عن جده یعنی تو و مال تو برای پدر تست بدرستیکه اولاد شما از پاکیزه
ترین کسب شما است بخورید شما از کسب اولاد خود و نفقه مادر و پدر و اجداد و جدات که مفلس

باشند که قدرت بر کسب نداشته باشند بر فرزند حر عاقل بالغ که قدرت بر کسب داشته باشد واجب
است اگرچه کافر باشد از ابل فی صحیحین از اسما بنت ابی بکر روایت کرده که از رسول کریم پرسید که
مادر من آمده است و کافره است صله با وی کنم فرمود آری بکن و امتثال امر و رضاجوئی آنها واجبست مگر در
معصیت و ترک فرایض ترمذی از عبدالله بن عمر روایت کرده که فرمود رسول صلی الله علیه وسلم رضای
خدا در رضامندی پدر است و ناخوشی خدا در ناخوشی پدر است حق تعالی فرموده وَاِنْ جَاهَدَاكَ
عَلٰی اَنْ تُشْرِكَ بِیْ مَا لَیْسَ لَكَ بِهٖ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبْهُمَا فِی الدُّنْیَا مَعْرُوْفًا یعنی اگر جنگ
کنند پدر و مادر تو برینکه شریک گوئی با من چیزیرا که تو علم نداری بآن یعنی علم بتوحید داری پس در ین
امر فرمانبرداری آنها مکن و در دنیا صحبت بخوبی با آنها کن رسول صلعم فرمود که لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوْقٍ
فِیْ مَعْصِیَةِ الْخَالِقِ رواه احمد والحاکم عن عمران والحکیم عن عمرو الغفاری و فی صحیحین لَا طَاعَةَ
لِاَحَدٍ فِیْ مَعْصِیَةِ اللّٰهِ اِنَّمَا الطَّاعَةُ فِی الْمَعْرُوْفِ یعنی جایز نیست فرمانبرداری کسی از
مخلوقات در نافرمانی خدا طاعت جایز نیست مگر آنچه در شرع جایز است **فصل** از جمله حقوق
پدر دوستی کردنست با دوستان پدر و نکوئی کردن با دوستان پدر در غیبت او و صله عبارتست
از آنچه موجب وصلت و اخلاص باشد از رعایت مالی و خدمت بدنی و حسن اخلاق **فصل**
در حق اقربا و از جمله حقوق پدران و مادرانست صله و نکوئی با اولاد آنها یعنی با برادران و خواهران
و خالات پدر و مادر و اولاد شان و همچنین الاقرب فالاقرب یعنی هر قدر که در نسب قریب تر باشد
حق او زیاده تر باشد حق تعالی فرموده در چند جا وَاٰتِ ذَا الْقُرْبٰی حَقَّهٗ یعنی بده صاحب قرابت را
حق او و لهذا هر کس که غنی باشد واجبست بروی نفقه ذی رحم محرم که فقیر باشد و بر کسب قدرت
نداشته باشد اگر مسلم باشد قال الله تعالی وَعَلَی الْوَارِثِ مِثْلُ ذٰلِكَ یعنی بر وارث نفقه واجبست
مثل نفقه اولاد و هر کس که ذی رحم محرم خود را مالک شود بمجرد مالک شدن آزاد گردد و اگرچه کافر باشد
قال علیه السلام مَنْ مَلَكَ ذَا رَحِمٍ مَحْرَمٍ عَتَقَ عَلَیْهِ رواه احمد وابوداود والحاکم عن سمره یعنی
هر که مالک شود ذی رحم محرم خود را بروی آزاد شود و جمع کردن دو زن ذی رحم محرم حرامست که موجب
قطع رحم میشود و از اقربا هر کس که محرم نیست گو نفقه او واجب نیست لیکن صله او واجبست و قطع رحم
حرامست و ناموافقت آنها جایز نیست عَنْ اَبِیْ هُرَیْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ
وَسَلَّمَ خَلَقَ اللّٰهُ الْخَلْقَ فَلَمَّا فَرَغَ مِنْهُ قَامَتِ الرَّحِمُ فَاَخَذَتِ الرَّحِمُ بِحَقْوِ الرَّحْمٰنِ
فَقَالَ مَهْ قَالَتْ هٰذَا مَقَامُ الْعَائِذِ بِكَ مِنَ الْقَطِیْعَةِ قَالَ اَلَا تَرْضَیْنَ اَنْ اَصِلَ

در بیان حقوق دوستان پدر و حقوق اقربا

مَنْ وَصَلَكِ وَأَقْطَعَ مَنْ قَطَعَكِ قَالَتْ بَلَى يَا رَبِّ قَالَ فَذَاكِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ یعنی خدای تعالی پیدا
کرد خلق را و هرگاه که حق تعالی از پیدا کردن خلق فارغ شد رحم برخاست و حقو رحمان گرفت حقو بند
ازار را گویند و این مجاز است مراد آنست که التجا بآن درگاه جست عرب میگویند عذت بحقو فلان
یعنی پناه جستم بسوی فلان حق تعالی رحم را فرمود که چه میخواهی گفت که استاده ام پناه جوینده از قطع فرمود که آیا
راضی نمیشوی باینکه من صلت کنم با آنکه وصل کند ترا و قطع کنم از هر که قطع کند ترا گفت که راضی شدم
ای رب فرمود همچنین کنم و در حدیث قدسی آمده أَنَا اللهُ وَأَنَا الرَّحْمٰنُ خَلَقْتُ الرَّحِمَ وَشَقَقْتُ
لَهَا مِنِ اسْمِي فَمَنْ وَصَلَهَا وَصَلْتُهُ وَمَنْ قَطَعَهَا بَتَتُّهُ رواه ابوداود والترمذی و احمد والحاکم
عن عبد الرحمن بن عوف والحاکم عن ابی هریرة یعنی منم الله و منم رحمن ام رحم را پیدا کرده و از نام
خود نام او برآورده ام پس هر که او را وصل کند من با وی وصل کنم و هر که او را قطع کند من از وی قطع کنم و
بخاری از ابی هریره از رسول صلعم روایت کرده که فرمود الرَّحِمُ شُجْنَةٌ مِنَ الرَّحْمٰنِ فَقَالَ اللهُ مَنْ
وَصَلَكِ وَصَلْتُهُ وَمَنْ قَطَعَكِ قَطَعْتُهُ یعنی رحم اتصالی دارد بلا کیفیت با خدا حق تعالی فرمود
یعنی هر که ترا وصل کند من با وی وصل کنم و هر که ترا قطع کند من از وی قطع کنم و از عایشه رضی الله عنها
در صحیحین مثل آنست و در صحیحین از جبیر بن مطعم مرویست که فرمود رسول صلعم قاطع رحم در جنت نشود و
بیهقی از عبد الله بن اوفی روایت کرده که آنحضرت فرمود صلعم که رحمت نازل نمیشود در قومی که در آنها یک کس
قاطع رحم میشود و در وجوب صله رحم و حرمت قطع احادیث بسیار وارد شده لهذا بر هر کس لازم که
بنسبت خویشاوندان خود باشد تا صله رحم کند و قطع از وی بظهور نیاید فایده رسول فرمود صلعم حق برادر
بزرگ بر برادر خورد مثل حق پدر است بر پسر این حدیث در بیهقی از سعید بن عیاض روایت کرده حق
سبحانه بر کسیکه فساد کند در زمین و بر قاطع رحم لعنت کرده و گفته فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا
فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ أُولٰئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعْمٰى أَبْصَارَهُمْ یعنی
قریب است که اگر رو گردانی کنید از حکم خدا آنکه فساد کنید در زمین و قطع کنید ارحام خود را آنها
که لعنت کرده بر آنها حق تعالی پس کر نمود آنها را که حق نمیشنوند و کور کرد چشمهای آنها را که حق را
نمی بینند امام احمد حنبل رحمة الله علیه لعنت بر یزید جایز گفته و با وجود قبایح بیشمار یزید بنابر قطع رحم باین آیه
بر جواز لعنت او استدلال کرده سوال اگر دو قریب اگر یکی را دوم بدسلوکی کند و قطع رحم نماید دوم را
از وی قطع جایز باشد یا نه جواب دوم را لازم که صله کند و قطع نکند و وبال قطع رحم بر قاطع رحم
خواهد شد و برکات صله بر واصل رسول فرمود لَيْسَ الْوَاصِلُ بِالْمُكَافِئِ وَلٰكِنَّ الْوَاصِلَ الَّذِي

إِذَا قُطِعَتْ رَحِمُهُ وَصَلَهَا رواه البخاري عن ابن عمر یعنی واصل آن نیست که در مقابله نکوی
نکویی کند واصل آنست که اگر قطع کرده شود رحم او وصل کند یعنی عوض بدی نیکی کند نیست بدی
را بدی سهل باشد جزا اگر مردی احسن إلی من أساء مسلم از ابا هریره روایت کرده که مردی
از رسول صلعم گفت که یا رسول الله مرا قرابتی هستند من صله آنها میکنم و آنها از من قطع میکنند
و من با آنها نکویی میکنم و آنها بدی میکنند و من از آنها حلم میکنم و آنها بر من جهل میکنند آنحضرت
فرمود صلعم لَئِنْ كُنْتَ كَمَا قُلْتَ فَكَأَنَّمَا تُسِفُّهُمُ الْمَلَّ وَلَا يَزَالُ مَعَكَ مِنَ اللهِ ظَهِيرٌ عَلَيْهِمْ
مَا دُمْتَ عَلَى ذَلِكَ یعنی اگر همچنین است که تو میگویی پس گویا تو میخورانی آنها را خاکستر گرم یعنی ناسخه
میخورانی که هلاکت آنها آنست و همیشه ترا از خداوند مددگاری خواهد بود بر آنها مادامیکه برین
خصلت باشی فایده صله رحم سوای ثواب در آخرت در دنیا فواید بسیار دارد رسول فرمود صلعم مَنْ
أَحَبَّ أَنْ يُبْسَطَ لَهُ فِي رِزْقِهِ وَيُنْسَأَ لَهُ فِي أَثَرِهِ فَلْيَصِلْ رَحِمَهُ متفق علیه عن انس یعنی هر که خواهد
که فراخ شود رزق او و باقی ماند ذکر او از ماندن اولاد و ماندن ذکر کنندگان خیر پس باید که صله رحم
کند و رسول فرمود صلعم تَعَلَّمُوا مِنْ أَنْسَابِكُمْ مَا تَصِلُونَ بِهِ أَرْحَامَكُمْ فَإِنَّ صِلَةَ الرَّحِمِ مَحَبَّةٌ
فِي الْأَهْلِ مَثْرَاةٌ فِي الْمَالِ مَنْسَأَةٌ فِي الْأَثَرِ رواه الترمذی عن ابی هریره یعنی قرابتهای خود
را دانسته باشید تا صله رحم کنید که صله رحم موجب محبت است در اهل و موجب زیادت است در مال
و بقای ذکر و قاطع رحم را سوای آنکه عذاب باشد در آخرت وبال در دنیا هم لاحق شود رسول فرمود
صلعم مَا مِنْ ذَنْبٍ أَحْرَى أَنْ يُعَجِّلَ اللهُ لِصَاحِبِهِ الْعُقُوبَةَ فِي الدُّنْيَا مَعَ مَا يَدَّخِرُ لَهُ فِي
الْآخِرَةِ مِنَ الْبَغْيِ وَقَطِيعَةِ الرَّحِمِ رواه الترمذی و ابو داود عن ابی بکره یعنی گناهی
نیست لایق تر با آنکه عقوبت و وبال رسد صاحب او را در دنیا با آنکه ذخیره داشته باشد عذاب برای
او در آخرت از بغی کردن با پادشاه عادل و قطع کردن رحم و نیز بیهقی از ابی بکره روایت کرده که
فرمود كُلُّ الذُّنُوبِ يَغْفِرُ اللهُ مِنْهَا مَا شَاءَ إِلَّا عُقُوقَ الْوَالِدَيْنِ فَإِنَّهُ يُعَجَّلُ لِصَاحِبِهِ فِي
الْحَيَاةِ قَبْلَ الْمَمَاتِ یعنی هر گناه که باشد می بخشد خدا تعالی او را آنچه خواهد مگر عقوق والدین پس بدرستی
که جلد میرساند او را عذاب زندگی پیش از مرگ فصل چون نظر بحقوق پدر و مادر صله با ایشان خواهر
و دیگر اقربا واجب شد نظر بحقوق رسول و خلفا و پیران و استادان صله و نکویی با جماعه سادات و مشایخ
و فرزندان پیران و استادان هم ضرور است قال الله تعالی قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ
فِي الْقُرْبَى یعنی بگو ای محمد نمیخواهم از شما بر تبلیغ رسالت مزدوری لیکن دوستی داشتن در اقربای من شما را

حقوق پیران و استادان و فرزندان و مشایخ و سادات

نمایید قال الله تعالی قُلْ اِنْ کَانَ لِلرَّحْمٰنِ وَلَدٌ فَاَنَا اَوَّلُ الْعٰبِدِیْنَ یعنی بگو ای محمد کسانی
را که خدا را ولد ثابت میکنند تعالی الله عن ذلک اگر رحمن را اولاد میبود من اول عبادت او میکردم
حقتعالی از آن منزه است ازین آیه مستفاد میشود که هرگاه حق به نسبت شخصی باشد باید که اولاد او ادای حق
کنند سوال از اولاد سادات و پیرزادگان اگر کسی فاسق یا کافر یا رفضی باشد با او چه سلوک باید کرد جواب
اگر فاسق باشد نصیحت باید کرد و ادای حق باید نمود و اگر رافضی مانند آن باشد که بکفر رساند با او دوستی
نباید نمود حقتعالی میفرماید یٰاَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللّٰهُ عَلَیْهِمْ قَدْ یَئِسُوْا
مِنَ الْاٰخِرَةِ کَمَا یَئِسَ الْکُفَّارُ مِنْ اَصْحٰبِ الْقُبُوْرِ یعنی ای مسلمانان دوستی مکنید با قومی که
خدا غضب کرده بر آنها بدرستیکه ناامید شدند از آخرت چنانکه ناامید هستند کفار از اصحاب قبور و حقتعالی
میفرماید در حق پسر نوح علیه السلام اِنَّهٗ لَیْسَ مِنْ اَهْلِکَ اِنَّهٗ عَمَلٌ غَیْرُ صَالِحٍ و رسول فرموده صلعم
اِنَّ اٰلَ اَبِیْ فُلَانٍ لَیْسُوْا لِیْ بِاَوْلِیَاءَ اِنَّمَا وَلِیِّیَ اللّٰهُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِیْنَ وَلٰکِنْ لَهُمْ رَحِمٌ اَبُلُّهَا
بِبِلَالِهَا متفق علیه عن عمرو بن العاص یعنی آل ابی فلان نیستند مرا اولیا و دوستان و دوست
من خداست و صالح مسلمانان لیکن آنها را با من قرابت است صله رحم میکنم ازین حدیث مفهوم
میشود که سادات و پیرزادگان اقربای خود اگر کافر باشند یا رافضی یا خارجی که بکفر رساند دوستی با آنها نباید
کرد لیکن صله و احسان میتوان کرد و قال الله تعالی لَا یَنْهٰکُمُ اللّٰهُ عَنِ الَّذِیْنَ لَمْ یُقَاتِلُوْکُمْ فِی
الدِّیْنِ وَلَمْ یُخْرِجُوْکُمْ مِّنْ دِیَارِکُمْ اَنْ تَبَرُّوْهُمْ وَتُقْسِطُوْا اِلَیْهِمْ اِنَّ اللّٰهَ یُحِبُّ الْمُقْسِطِیْنَ
یعنی بر کفار اهل ذمه احسان کردن و نیکوئی کردن ممنوع نیست فصل در بیان حق والدین و اخ رضعی
که حق سبحانه تعالی حرام کرده است از رضاع آنچه حرام کرده از نسب جمع بین الاختین در نکاح حرامست رضاعاً چنانچه
بین الاختین نسباً حرامست تا موجب قطع نباشد ابی داؤد از ابی الطفیل روایت کرده که رسول الله صلعم ضجعه خود
چادر خود فرش کرد و برآن نشانید قسم ثالث قسم دیگر از حقوق حق کسانیکه حق تعالی آنها را مظهر قهار
و مالک و جبار ساخته و آن حق سلطان مسلم و امیر مسلم و حق قاضی است بر رعیت و حق شوهر است بر زن و حق سید
بر عبد و حق قهرمان خانه بر تمام اهل بیت که بندوبست ملک و شهر و خانه و صورت شهری تعلق دارد فصل
اطاعت سلطان و امیر شهر و امیر لشکر واجبست بر رعیت در آنچه خلاف شرع حکم نکند اگرچه خلاف طبع آنها باشد
قال الله تعالی اَطِیْعُوا اللّٰهَ وَاَطِیْعُوا الرَّسُوْلَ وَاُولِی الْاَمْرِ مِنْکُمْ سلطان هم داخل اولی الامر است و رسول فرموده
مَنْ اَطَاعَنِیْ فَقَدْ اَطَاعَ اللّٰهَ وَمَنْ عَصَانِیْ فَقَدْ عَصَی اللّٰهَ وَمَنْ یُطِعِ الْاَمِیْرَ فَقَدْ اَطَاعَنِیْ وَمَنْ یَعْصِ
الْاَمِیْرَ فَقَدْ عَصَانِیْ وَاِنَّمَا الْاِمَامُ جُنَّةٌ یُقَاتَلُ مِنْ وَّرَائِهٖ وَیُتَّقٰی بِهٖ فَاِنْ اَمَرَ بِتَقْوَی اللّٰهِ وَعَدَلَ

فان له بذلك اجرا وان قال بغيره فان عليه منه يعني گناه خود رفت متفق عليه عن ابي هريرة
يعني هر كه فرمانبرداري من كرد فرمانبرداري خدا كرد و هر كه نافرماني من كرد نافرماني خدا كرد و هر كه فرمانبرداري
امير كرد فرمانبرداري من كرد و هر كه نافرماني امير كرد نافرماني من كرد و پادشاه نيست مگر سپر مردم با كفار جهاد
ميكنند و بوي پناه ميجويند پس اگر امر بتقوي و عدل كرد پس او را ثواب باشد و اگر جز اين ديگر گفت پس
بر وي باشد يعني گناه و فرمود آنسرور عليه السلام اسمعوا واطيعوا وان استعمل عليكم عبد حبشي كان
راسه زبيبة رواه البخاري عن انس يعني بشنويد و فرمانبرداري كنيد امير را اگرچه حاكم كرده شود بر شما غلام
حبشي كه سر او مثل انگور سياه و خرد باشد و فرمود السمع والطاعة على المرء المسلم فيما احب وكره ما لم يؤمر
بمعصية فاذا امر بمعصية فلا سمع ولا طاعة متفق عليه عن ابن عمر و عن علي نحوه يعني حكم امير شنيدن
و طاعت كردن واجبست بر هر مرد مسلمان در آنچه خوش آيد او را يا ناخوش آيد وقتيكه امر كرده نشود بمعصيت پس
وقتيكه امر كرده شود بگناه پس جايز نيست سمع و طاعت و فرمود من رأى من اميره شيئا يكرهه فليصبر
فانه ليس احد يفارق الجماعة شبرا فيموت الا مات ميتة جاهلية متفق عليه عن ابن عباس
يعني هر كه ببيند از حاكم خود چيزي كه مكروه ميداند آنرا پس بايد كه صبر كند بدرستيكه نيست كسي كه بغي كند و جدا
شود از جماعت مسلمانان بقدر يك وجب پس بميرد در آن حال مگر آنكه مرده باشد مانند مردن جاهليت
و فرمود انكم سترون بعدي اثرة وامورا تنكرونها قالوا فما تأمرنا يا رسول الله قال
ادوا عليهم حقهم واسئلوا الله حقكم متفق عليه عن ابن مسعود يعني قريبست كه خواهيد ديد از
پادشاهان بعد من نفس پروري و چيزها كه شما آنرا ناخوش ميداريد ياران گفتند پس چه ميفرمائي ما را فرمود
حق آنها ادا كنيد و حق خود از خدا خواهيد ياران گفتند يا رسول الله اگر باشند امرا كه حق خود از ما طلب
كنند و حق ما ندهند فرمود اسمعوا واطيعوا فانما عليهم ما حملوا وعليكم ما حملتم رواه مسلم عن
وائل بن حجر يعني بشنويد حكم آنها و فرمانبرداري كنيد پس بدرستيكه واجبست بر آنها آنچه حق تعالى
بر ذمه آنها واجب كرده است از عدالت و رعيت پروري و واجبست بر شما آنچه واجب كرده است يعني
اطاعت و فرمانبرداري فصل اگر قاضي حكم كند موافق شرع واجبست كه بطيب خاطر آنرا قبول كرده شود فی القضاء
حق تعالى ميفرمايد فلا وربك لا يؤمنون حتى يحكموك فيما شجر بينهم ثم لا يجدوا في انفسهم حرجا
مما قضيت ويسلموا تسليما يعني سوگند بخدا ايمان نخواهند آورد تا آنكه حاكم گردانند ترا در آنچه منازعت
شود در ميان ايشان باز نيابند در دلهاي خود تنگي و ناخوشي از آنچه حكم كني و قبول كنند قبول كردني و در هدايه گفته
كه اگر قاضي گويد حكم كردم برين كه اين سنگسار كن يا دست قطع كن يا دره بزن جايز است بجا آوردن

آنچه امام ابو منصور گفته که اگر قاضی عالم و عادل باشد بجا آرد و اگر جاهل و عادل باشد وجه آن بپرسد پس اگر
وجه معقول گفت بجا آرد و الا نکند و اگر فاسق است بجا نیارد مگر وقتیکه سبب حکم او بیند **فصل** در
حق شوهر بر زن احادیث بسیار اند رسول فرمود لَوْ كُنْتُ آمِرًا لِأَحَدٍ أَنْ يَسْجُدَ لِأَحَدٍ لَأَمَرْتُ الْمَرْأَةَ
أَنْ تَسْجُدَ لِزَوْجِهَا رواه الترمذی و ابو داود و نحوه از قیس بن سعد و احمد از معاذ و ابو هریره
یعنی اگر امر میکردم کسی را که سجده کند بکسی هر آئینه امر میکردم زن را که سجده کند شوهر خود را و ترمذی از ام سلمه
روایت کرده که رسول فرمود هر زنی که بمرد و شوهرش از وی راضی است داخل بهشت شود و ابو نعیم
در حلیه از انس روایت کرده که رسول فرمود هر زنی که نماز پنجگانه خواند و روزه ماه رمضان گذارد و عفت
ورزد و فرمانبرداری شوهر کند داخل شود در بهشت از هر در که خواهد و احمد از عائشه روایت کرده که آنحضرت
فرمود اگر برای سجده کسی را حکم میکردم هر آئینه زنرا حکم میکردم که سجده کند شوهر خود را و اگر شوهر زنرا حکم کند
که از کوه سیاه بکوه سپید و از کوه سپید بکوه سیاه سنگها برد باید که همچنان کند ترمذی و ابن ماجه
از معاذ روایت کرده که رسول فرمود اگر زنی شوهر خود را آزار رساند حوران بهشت میگویند لعنت
کند بر تو خدا نیست این شخص نزد تو مگر مهمان قریب است که از تو جدا شود و بسوی ما **فصل** در حق
سید بر عبد فرمود رسول إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا نَصَحَ سَيِّدَهُ وَأَحْسَنَ عِبَادَةَ اللَّهِ فَلَهُ أَجْرُهُ مَرَّتَيْنِ
متفق علیه عن عبد الله بن عمر یعنی بدرستیکه غلام اگر خیر خواهی مالک خود کند و نیک کند عبادت
خدا دو چندان ثواب یابد فرمود آنحضرت نِعِمَّا لِلْمَمْلُوكِ أَنْ يَتَوَفَّاهُ اللَّهُ يُحْسِنُ عِبَادَةَ رَبِّهِ
وَطَاعَةَ سَيِّدِهِ وَنِعِمَّا لَهُ متفق علیه عن ابی هریرة یعنی خوشا حال بنده مملوک که بمیرد و نیک کند عبادت
پروردگار خود و فرمانبرداری مالک خود خوشا حال او و فرمود آنسرور علیه السلام إِذَا أَبَقَ الْعَبْدُ
لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلَاةٌ وَفِي رِوَايَةٍ أَيُّمَا عَبْدٍ أَبَقَ مِنْ مَوَالِيهِ فَقَدْ كَفَرَ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَيْهِمْ
رواه مسلم عن جریر یعنی اگر غلام بگریزد نمازش قبول نشود و در روایتی هر غلامیکه بگریزد از مالکان
خود بتحقیق کافر شود تا وقتیکه باز نیاید نزد ایشان یعنی کافر نعمت باشد و بیهقی از جابر روایت
کرده که رسول فرمود سه کس اند نمازش قبول نشود غلامیکه بگریزد تا که باز نزد مالک خود آید و زنیکه شوهرش
از وی ناخوش باشد و مست تا که بهوش آید و فرمود صلعم لَيْسَ مِنَّا مَنْ خَبَّبَ امْرَأَةً عَلَى زَوْجِهَا
أَوْ عَبْدًا عَلَى سَيِّدِهِ رواه ابو داود عن ابی هریرة رضی الله عنه یعنی نیست از ما کسی که و خلاف
باعث کند زنی را بر شوهرش یا غلامی را بر مالک او **قسم چهارم** قسمی دیگر از حقوق عباد حق
رعیت است بر سلطان و امیر و قاضی و حق زن بر شوهر و حق پرورش و تربیت فرزندان صغیر بر پدر

حق الرعیه علی السلطان

و مادر حق مملوک پیدا مالک کرد اینهمه در واقع حقیقت حق سبحانه بذات بی نیاز خود برای مملوکان
نهاد که آن همه و رحمت واجب کرده پس کسی که در دنیا راعی ساخته و مالک گردانیده بر وی هم واجب
ساخته قال رسول الله علیه الصلوة والسلام الا کلکم راع وکلکم مسئول عن رعیته فالامام
الذی علی الناس راع وهو مسئول عن رعیته والرجل علی اهل بیته وهو مسئول عن
رعیته والمرأة راعیة علی بیت زوجها وولده وهی مسئولة عن رعیتها وعبد الرجل
راع علی مال سیده وهو مسئول عنه الا فکلکم راع وکلکم مسئول عن رعیته متفق
علیه عن عبد الله ابن عمر یعنی آگاه باشید که هر یکی از شما راعیست و هر یکی از شما سوال کرده خواهد شد
از رعیت او که بحال آنها پرداخته یا آنها را ضایع و مهمل گذاشته پادشاه بر تمام آدمیان راعیست
سوال کرده خواهد شد از رعیت او و مرد در اهل بیت راعیست پادشاه از آنها سوال کرده خواهد شد
و زن بر خانه شوهر و اولاد او راعیه است از آنها سوال کرده شود و غلام بر مال مولی راعیست از آن
سوال کرده خواهد شد **فصل** در حق رعیت بر پادشاه و امیر رسول فرمود ما من وال یلی رعیة
من المسلمین فیموت وهو غاش لهم الا حرم الله علیه الجنة متفق علیه عن معقل بن یسار یعنی
کسی نیست که والی که بر رعیتی از مسلمانان والی باشد پس بمیرد در حالیکه خیرخواهی رعیت نکرده
باشد مگر آنکه حق تعالی بروی بهشت را حرام کرده فرمود اللهم من ولی من امر امتی شیئا
فشق علیهم فاشقق علیه ومن ولی من امر امتی شیئا فرفق بهم فارفق به رواه مسلم
عن عائشه یعنی ای بار خدایا هر که والی شود از کارهای امت من چیزی را پس سختی کرد بر آنها پس
سختی کن بر وی و هر که والی شود از کارهای امت من چیزی را پس با آنها نرمی و مهربانی کند تو بروی
نرمی و مهربانی کن مسلم از عبد الله بن عمر روایت کرده که رسول فرمود عادلان بر منبرها از نور
باشند نزد حق تعالی آنها که عدل کنند در حکم و اهل آنها و در آنچه والی کرده شده اند و در نامی انها سپرده
اند آنحضرت صلعم آورده که فرمود نباشد سرگروه ده کس مگر آنکه آورده شود در قیامت بسته تا آنکه
بگشاید او را عدل یا هلاک کند او را ظلم و فرمود ان احب الناس الی الله یوم القیمة واقربهم
منه مجلسا امام عادل وان ابغض الناس الی الله یوم القیمة واشدهم عذابا
امام جائر رواه الترمذی عن ابی سعید یعنی بدرستیکه محبوب ترین آدمیان بسوی خدا در قیامت
و نزدیکترین مردمان بسوی خدا از روی مرتبه پادشاه عادل باشد و بدرستیکه ناخوشترین
آدمیان بسوی خدا در قیامت و سخت تر در عذاب پادشاه ظالم باشد و فرمود ان السلطان

ظل الله في الأرض يأوي إليه كل مظلوم من عباده فإذا عدل كان له الأجر وعلى
الرعية الشكر وإذا جار كان عليه الإصر وعلى الرعية الصبر رواه البيهقي عن ابن عمر
پادشاه سایه خداست در زمین می آید بسوی او هر مظلوم از بندگان خدا پس اگر عدل کرد او را ثواب باشد
و بر رعیت شکر واجب شود و اگر ظلم کرد بروی عذاب و بر رعیت صبر واجب شود فصل در قاضی حکم نصب شدن
و حکم خلاف شرع موجب کفر و ظلم و فسق کما قال الله تعالی فرمود و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون
فاولئک هم الظالمون فاولئک هم الفاسقون رسول فرمود القضاة ثلاثة واحد
في الجنة واثنان في النار فأما الذي في الجنة فرجل عرف الحق فقضى به ورجل
عرف الحق فجار في الحكم فهو في النار ورجل قضى للناس على جهل فهو في النار رواه
ابو داود و ابن ماجه عن بریده یعنی قاضیان سه قسمند یکی آنکه عالم باشد بحق و حکم بحق کند این بهشتی
باشد دوم آنکه عالم باشد و حکم نکند بحق سوم آنکه جاهل باشد این هر دو در دوزخ باشند روایت کرد ابو داود
از ابوهریره روایت کرده هر که قاضی شود پس عدل او بر جور غالب باشد او را بهشت است و اگر جور او غالب
شود بر عدل او پس در دوزخ باشد فصل در حق زنان بر شوهر حق تعالی میفرماید و لهن مثل الذی
علیهن بالمعروف یعنی زنان را بر شوهران حقست چنانچه مردان را بر زنان حقست رسول کریم میفرماید
ان من اکمل المؤمنین ایمانا احسنهم خلقا والطفهم باهله رواه الترمذی عن عائشة و روی
الترمذی عن ابی هریرة نحوه یعنی از کاملترین مؤمنان در ایمان کسی باشد که خوشتر است از روی خلق
و مهربان تر است بر اهل خود و فرمود خیرکم خیرکم لاهله وانا خیرکم لاهلی رواه الترمذی
عن عائشة یعنی بهترین شما کسی است که بهتر است بر اهل خود و من بهترم بر اهل خود و سعاویه
قشیری از رسول کریم پرسید که حق زن بر شوهر چیست فرمود آنکه بخوراند چون خود بخورد و بپوشاند
چون خود بپوشد و نزند بر روی او و بد نگوید او را و او را تنها نگذارد مگر در خانه رواه احمد
و ابو داود و ابن ماجه و فرمود آنحضرت که در شب نزد زنان بسیار بخانه من آمدند و شکایت شوهران خود
میکردند آن مردان خوب کس نیستند رواه ابو داود و ابن ماجه و الدارمی عن ایاس بن عبد الله فصل در
حق شفقت بر فرزندان رسول کریم فرمود من عال جاریتین حتی تبلغا جاء یوم القیامة انا وهو
هکذا وضم اصابعه رواه مسلم عن انس یعنی هر که پرورش کند دو دختر را تا که بالغ شوند بیاید روز
قیامت من و او چنین و دو انگشت مبارک با هم ضم کرده و صحیح است عائشه روایت کرد که زنی نزد من
آمد و با وی دو دختر بودند از من سؤال کرد و نزد من چیزی نیافت مگر یک خرما پس آن خرما را بوی دادم

خرما را در میان هر دو دختر تقسیم کرده و خود هیچ نخورده و رفت پس چون نبی صلعم آمد قصه عرض
کردم فرمود من ابتلی من هذه البنات بشیء فاحسن الیهن کن له سترا من النار
یعنی هر که مبتلا شود از دختران بچیزی یعنی چند دختران داشته باشد و با ایشان نیکی کند او را پرده شوند از آتش
دوزخ و در صحیحین از عائشه روایت کرده که شخصی دهقانی نزد رسول آمد و گفت که شما طفلان را بوسه میکنید ما بوسه
نمیکنیم آنحضرت فرمود او را او املک لک ان نزع الله من قلبک الرحمة یعنی اگر خدا تعالی از دل
تو رحم و شفقت دور کرده من هیچ نمیتوانم کرد و فصل در حق مملوکان رسول کریم فرمود اخوانکم جعلهم الله
تحت ایدیکم فمن جعل الله اخاه تحت یدیه فلیطعمه مما یاکل ولیلبسه مما یلبس
ولا یکلفه من العمل ما یغلبه فان کلفه ما یغلبه فلیعنه علیه متفق علیه عن ابی ذر
یعنی برادران شما اند کرده است آنها را الله تعالی زیر دست شما پس هر که را حق تعالی برادر او را زیر دست
او کند پس باید که بخوراند او را آنچه خود بخورد و بپوشاند او را آنچه خود بپوشد و تکلیف ندهد او را بکاری که
بر وی شاق باشد و اگر بکاری که بر وی شاق امر کند خود هم مددگاری او کند بر آن کار فرمود اذا صنع لاحدکم
خادمه طعامه ثم جاءه وقد ولی حره ودخانه فلیقعده معه فلیاکل فان کان الطعام
مشفوها قلیلا فلیضع فی یده منه اکلة او اکلتان رواه مسلم عن ابی هریرة یعنی وقتیکه
طیار کند برای یکی از شما خادم او طعامی پس بیارد آن طعام را پیش او که گرمی آتش و دود او را
رسیده پس باید که بنشاند او را همراه خود تا بخورد و اگر طعام اندک باشد و خورنده بسیار باید که بنهد در
دست او یک لقمه یا دو لقمه و فرمود من قذف مملوکه وهو بریء مما قال جلد یوم القیمة
متفق علیه عن ابی هریرة یعنی هر که نسبت زنا کند مملوک خود را و او پاک باشد از آن او را حق تعالی
در قیامت حد قذف زند و فرمود من ضرب غلاما له حدا لم یاته او لطمه فان
کفارته ان یعتقه رواه مسلم عن ابن عمر یعنی هر که زند غلام خود را حدی را موجب حد نکرده
با او یا طپانچه زند پس کفاره او آنست که او را آزاد کند و مسلم از ابی مسعود روایت کرده که میزدم
غلام خود را شنیدم از پس پشت آوازی شنیدم که بدان ای ابا مسعود که حق تعالی بر تو قادرتر است از آنکه
تو بر غلام قدرت داری چون پس پشت دیدم رسول خدا بود گفتم یا رسول الله این برای خدا آزاد
کردم فرمود اگر چنین نمیکردی آتش بتو میرسید آخر کلام رسول در مرض موت او بود الصلوة
وما ملکت ایمانکم رواه البیهقی فی شعب الایمان عن ام سلمة و احمد و ابو داود عن علی
یعنی محافظت کنید بر نماز و بر حقوق مملوکان و فرمود آنحضرت ثلث من کن فیه یسر الله

جنّته وادخله جنّته رفق بالضعیف وشفقة بالوالدین واحسان الى المملوك رواه
الترمذی عن جابر یعنی سه خصلت است که در وی باشد حق تعالی موت او آسان کند و او را داخل بهشت کند مهربانی
بر ضعیفان و شفقت بر پدر و مادر و نیکوئی با مملوکان ع و هی آنحضرت پرسیدند یا رسول الله چند بار از خادم
عفو و تقصیر کنیم آنحضرت در جواب او خاموش شد باز پرسید فرمود که هر روز هفتاد بار ببخشید رواه الترمذی عن عبد الله
بن عمر و ابو داؤد عن عمر و فرمود آنحضرت آگاه باشید خبر دهم شما را به بدترین شما بدترین شما کسی
است که تنها بخورد و تنها خوابد و بزند مملوک خود را و ندهد رفد خود را رواه رزین عن ابی هریرة یعنی رفد عطات
و مددگاری است و در قریش هم بود که هر کس الله بطاقت خود مال می آورد و بین مال بسیار جمع شد
پس از آن طعام و کمش خرید میکردند و در موسم حج مردم را میخورانیدند و شربت مینوشانیدند پس رفد
عبارت است از مالی که اهل شهر جمع کرده برای صادر و وارد و مساکین نگاه دارند **فصل** مملوک اگر
جانور باشد بر آنهم احسان ضرور است رسول کریم ع شتری لاغر دید فرمود اتقوا الله فی هذه البهائم
المعجمة فارکبوها صالحة واترکوها صالحة رواه ابو داود عن سهل بن حنظلیه یعنی
بترسید از خدا در حق این جانوران بی زبان سوار می کنید اینها را خوب و بگذارید اینها را خوب **قسم پنجم**
دیگر از حقوق العباد حق همسایه و صحبت و سفر است که بسبب قرب او لازم است قال تعالی واعبدوا
الله ولا تشرکوا به شیئا وبالوالدین احسانا وبذی القربی والیتمی والمسکین و
الجار ذی القربی والجار الجنب والصاحب بالجنب وابن السبیل وما ملکت
ایمانکم یعنی عبادت کنید خدا را و شریک مکنید در عبادت او چیزی را و نیکوئی کنید با پدر و مادر و نیکوئی
کنید و با صاحب قرابت و یتیمان و مسکینان و همسایه که قریب باشد همسایگی او یعنی خانه بخانه
متصل باشد یا آنکه همسایه باشد و قرابت در نسب یا در دین داشته باشد و همسایه که اجنبی باشد و یار همصحبت
و ابن عباس و مجاهد و عکرمه گفته که صاحب بالجنب همسفر باشد و علی رضی الله عنه و ابن مسعود گفته اند که
مراد از آن زن است و مسافران بعضی گویند که ابن السبیل مهمان مراد است و مملوکان ع و رسول فرمود
الجیران ثلثة فجار له ثلثة حقوق حق الجوار وحق القرابة وحق الاسلام و
جار له حقان حق الجوار وحق الاسلام وجار له حق واحد وهو المشرک
من اهل الکتاب رواه ابو نعیم فی الحلیة والحسن بن سفیان البزاری فی مسندیهما عن جابر
یعنی همسایگان سه قسمند یکی همسایه ایست که او را سه حق است حق جوار و حق قرابت و حق اسلام
و دیگر همسایه را دو حق است حق جوار و حق اسلام و یک همسایه را یک حق است که مشرک باشد از اهل کتاب

حقوق همسایه و صحبت و سفر

وابن عدی از عبدالله بن عمر نیز همچنین روایت کرده که رسول ص فرمود کم من جار متعلق بجاره
فیقول یا رب سل هذا لم اغلق عنی بابه ومنعنی فضله رواه الاصبهانی عن
ابن عمر یعنی بسیار همسایه باشد که بگیرد همسایه خود را و بگوید ای پروردگار بپرس این را چرا
دروازه خود را از من بند ساخت و از بخشش خود محروم ساخت از ابن عمر روایت کرده که رسول فرمود
که همیشه جبرئیل مرا به همسایه وصیت میکرد حتی که گمان بردم که قریب است که حق تعالی او را وارث
گرداند متفق علیه از ابی ذر روایت کرده که رسول فرمود ص چون گوشت بپزی شوربا زیاده کن و همسایگان
ضیافت کن عائشه رض از رسول ص پرسید که یا رسول الله مرا دو همسایه است بکدامی از آنها هدیه کنم فرمود
هر که نزدیکتر باشد دروازه او فرمود رسول ص من كان يؤمن بالله واليوم الآخر فليحسن الى جاره
ومن كان يؤمن بالله واليوم الآخر فليكرم ضيفه ومن كان يؤمن بالله واليوم الآخر
فليقل خيرا او ليصمت رواه البغوی فی الصحیحین عن ابی هریره رض یعنی هر که بخدا و روز قیامت
ایمان داشته باشد پس باید که با همسایه خود نیکوئی کند و مهمان را گرامی دارد و آنچه نیک باشد سخن گوید یا
خاموش ماند سخن بیفایده نگوید بدان اسعدک الله تعالی که چون همسایه را که در خانه علیحده باشد چنین
حق ثابت شده پس صحبت و همسفر را بالطریق اولی حق واجب است چنانچه بنابر صحبت رسول کریم
اصحاب خود را چه قدر مناقب فرموده و برای محبت و تعظیم شان مبالغه کرده لیکن واجب است که همنشینی و
دوستی با نیکان کند و با کافران و فاسقان نکند رسول فرمود مثل الجليس الصالح والسوء
كحامل المسك ونافخ الكير فحامل المسك اما ان يحذيك واما ان تبتاع منه واما ان
تجد منه ريحا طيبة ونافخ الكير اما ان يحرق ثيابك واما ان تجد منه ريحا خبيثة
متفق علیه عن ابی موسی وفی روایة يحرق بيتك او ثوبك او تجد منه ريحا خبيثة یعنی
حال همسایه نیک و همسایه بد چنان است که همسایه نیک صاحب مشک است یا ترا خواهد داد یا تو از وی
خرید خواهی کرد و یا بوی خوش خواهد رسید و همسایه بد باشد سوزاننده بوته آتش آهنگر است که جامه
ترا یا پارچه ترا خواهد سوخت و گر نه بوی بد او بتو خواهد رسید تخریج حاکم و ابوداود از انس از آنحضرت ص
روایت کرده که همسایه نیک مثل عطرفروش است اگر عطر بتو نخواهد داد بوی بتو خواهد رسید رواه احمد و
ابوداود و ترمذی و حاکم از ابی سعید خدری روایت کرده که فرمود آنحضرت ص همنشینی مکن مگر
با مسلمانان کامل الایمان و باید که طعام تو نخورد مگر متقی و بغوی از ابی هریره روایت کرده که رسول
فرمود که آدم بر دین و مذهب دوست خود میباشد پس ببین که با که دوستی دارد تخریجش در صحیحین

از ابن مسعود از آنحضرت مرویست که فرمود اَلْمَرْءُ مَعَ مَنْ اَحَبَّ یعنی انسان با آنکسی باشد که
او را دوست دارد و حق تعالی میفرماید اَلْاَخِلَّاءُ یَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ اِلَّا الْمُتَّقِیْنَ یعنی
دوستان در روز قیامت باهم دشمن شوند مگر متقیان و حق تعالی میفرماید که مردم در روز قیامت بسبب دوستی
گمراهان با بدان حسرت خواهند کرد و خواهند گفت یَا وَیْلَتٰی لَیْتَنِیْ لَمْ اَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِیْلًا ای
هلاکی من کاشکی نمیگرفتم فلان کس را دوست مولوی قدس سره میگوید مثنوی دور شو از اختلاط یار بد
یار بد بدتر بود از مار بد * مار بد تنها همین بر جان زند * یار بد بر جان و بر ایمان زند * صحبت
صالح ترا صالح کند * صحبت طالح ترا طالح کند * ناخنان تیغ را خندان کند * صحبت نیکان ترا
از نیکان کند * و در صحیحین از ابی هریره رضی مرویست که حدیث طویل از رسول کریم در حق جماعت ذکر کنندگان
که چون حق تعالی بر آنها رحمت کند و ببخشاید تمام همنشینان آنها را ببخشاید فرشته از فرشتگان گوید ای
مرویست گنهگار از آنها نیست برای کاری آمده و نزد آنها نشسته حق فرماید که او را هم بخشیدم آن
قومیست که همنشین ایشان بدبخت نباشد و لهذا رسول کریم از همنشین بد و همسایه بد بخدا پناه جسته طبرانی
از عقبه بن عامر روایت کرده که رسول صلعم در دعای خود میگفت اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ یَوْمِ السُّوْءِ
وَمِنْ سَاعَةِ السُّوْءِ وَمِنْ لَیْلَةِ السُّوْءِ وَمِنْ صَاحِبِ السُّوْءِ وَمِنْ جَارِ السُّوْءِ فِیْ دَارِ الْمُقَامَةِ
یعنی الٰهی پناه میجویم بتو از روز بدی و از ساعت بدی و از شب بدی یعنی از روزی و شبی و ساعتی که در آن
بدیها واقع شود و از همنشین بدی یعنی همنشین و همسایه که مصدر بدی باشد همسایه که اقامت و خانه
همسایه باشد و باید احتراز از همسایه بد رسول کریم در بیع زمین حق شفعه واجب کرده فایده بیع شفیع
را باید که اگر مشتری نیکمرد است طلب شفعه نکند و اگر بد است از خریدار و راضی نشود قسم ششم قسمی دیگر
از حقوق العباد حق عامه مسلمین است خصوصا از آنها حق کسی است که عاجز و ضعیف باشد یتیم و مسکین یا بیمار
یا بیوه و حق سائلست و حق مسافر و مهمان نیز دارد شود قال الله تعالی وَاٰتَی الْمَالَ عَلٰی حُبِّهٖ ذَوِی الْقُرْبٰی
وَالْیَتٰمٰی وَالْمَسٰکِیْنَ وَابْنَ السَّبِیْلِ وَالسَّآئِلِیْنَ وَفِی الرِّقَابِ و فرموده وَاٰتِ ذَا الْقُرْبٰی
حَقَّهٗ وَالْمِسْکِیْنَ وَابْنَ السَّبِیْلِ یعنی نیکوکار کسیست که داد مال بر دوستی خدا خویشان قرابت را
و یتیمان و مسکینان و مسافران و سائلان را و در آزادی بندگان و فرموده حق فَاَمَّا الْیَتِیْمَ فَلَا تَقْهَرْ
وَاَمَّا السَّآئِلَ فَلَا تَنْهَرْ یعنی یتیم را قهر مکن و سوال کننده را زجر مکن و فرمود آنحضرت اَنَا وَکَافِلُ
الْیَتِیْمِ فِی الْجَنَّةِ هٰکَذَا رواه احمد و البخاری و ابو داود و الترمذی عن سهل بن سعد یعنی من و پرورنده
یتیم در بهشت نزدیک باشیم و اشارت کرد به دو انگشت خود و فرمود مَنْ کَانَ یُؤْمِنُ بِاللّٰهِ

والیوم الآخر فلیکرم ضیفه جائزته یوم ولیلة وضیافة ثلثة ایام فما بعد ذلک
فهو صدقة متفق علیه عن ابی شریح الکعبی یعنی هر که ایمان دارد بخدا و بروز قیامت پس باید که گرامی
کند مهمان خود را یک شبانه روز در مهمانی او تکلف باید نمود و مهمانی تا سه روز است و بعد از آن صدقه
است و رسول فرمود للسائل حق وان جاء علی الفرس ابوداود وعن الحسین بن علی رضی الله
عنهما واحمد عن الحسین یعنی سوال کننده را حق میباشد اگرچه بر اسپ سوار شده آمده باشد یعنی اگرچه
غنی باشد حالانکه سوال کردن غنی را حرام است و رسول فرمود للمسلم علی المسلم بالمعروف
یسلم علیه اذا لقیه ویجیبه اذا دعاه ویشمته اذا عطس ویعوده اذا مرض و
یتبع جنازته اذا مات ویحب له ما یحب لنفسه رواه احمد الترمذی ابوداود وعن علی
والشافی عن ابی هریرة رض نحوه یعنی مسلمانرا بر مسلمان شش حق است سلام گوید بر وی چون ملاقات
کند و جواب دهد چون بخواند یا قبول دعوت او کند و یرحمک الله گوید چون حمد کند بعد عطسه و بیمار پرسی کند
چون بیمار شود و همراه جنازه او رود چون بمیرد و دوست دارد برای او آنچه دوست دارد برای نفس خود
و اصفهانی از علی از آنحضرت علیه السلام روایت کرده که فرمود بتحقیق اگر یکی از شما بگذارد تشمیت یعنی
یرحمک الله گفتن برادر خود را وقتیکه عطسه کند و الحمد لله گوید پس طلب خواهد کرد او را روز قیامت و ابو
نعیم از سعد بن جبیر روایت کرده و مسلم از ابی موسی روایت کرده که آنحضرت فرمود که پرهیز کنید از نشستن
بر راهها یاران گفتند یا رسول الله از نشستن بر راهها چاره نداریم فرمود که پس حق ادا کنید راه را گفتند
که حق راه چیست فرمود که چشم بستن از حرام و اذیت نرسانیدن و جواب سلام گفتن و امر کردن بمشروع و
نهی کردن از نامشروع و ابوداود و ابن عمر و بن قعنبه یاد کرده فریاد رسی کنید بنجز رسیده آمده راه
نمایید گم شده را قال الله تعالی واذا حییتم بتحیة فحیوا باحسن منها او ردوها ان الله کان
علی کل شیء حسیبا یعنی وقتیکه کسی سلام گوید بر شما پس جواب گویید مثل آن یا بهتر از آن یعنی در جواب
السلام علیکم گوید علیکم السلام یا ضم کنید با وی رحمة الله یا ورحمة الله وبرکاته مسلم از ابی هریرة رض
روایت کرده که رسول فرمود داخل بهشت نخواهید شد تا که ایمان آرید و ایمان کامل نخواهد شد تا که باهم
دوستی کنید پس فرمود که خبر دهم شما را بچیزیکه باهم دوست شوید فشوا السلام علیکم یعنی بسیار کنید سلام
باهم بیهقی از ابن مسعود از آنحضرت روایت کرده که کسی که اول سلام گوید پاک شود از تکبر کسی
از آنحضرت پرسید که از خصلتهای اسلام کدامی بهتر است فرمود بخورانی طعام و بخوانی سلام بر هر که
شناسی یا نشناسی آیه کریمه اذا حییتم اگرچه در حق سلام وارد شده لیکن بعموم لفظ دلالت دارد

برآنکه مسلمانان با همه چه سلوک نیک کنند مانند فرستادن هدیه یا ذکر خیر یا اشاره سلام بدست
بیشتر یا تواضع یا ایستادن یا مصافحه یا معانقه یا مانند آن که دلیل اظهار محبت باشد ثانی را باید
که مکافات آن بمثل آن کند یا بهتر از آن کند کلمه إِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا بر این دلالت
دارد و بعضی از آنها بیهقی حساب کننده است احمد و ترمذی از ابی امامه روایت کرده که آنحضرت
فرمود تمام تحیه شما مصافحه است و آنحضرت فرمود با هم مصافحه کنید کینه دور شود و با هم هدیه
بفرستید محبت زیاده شود و کینه بر طرف گردد و فرمود آنحضرت که اگر دو مسلمان با هم مصافحه
کنند هیچ گناه باقی نماند همه بریزد آنحضرت ابوذر را در بغل گرفته فرمود که این عمل بسیار خوب است
رواه ابوداود و فرمود آنحضرت لَا يَحِلُّ لِلرَّجُلِ أَنْ يَهْجُرَ أَخَاهُ فَوْقَ ثَلَاثٍ يَلْتَقِيَانِ
فَيُعْرِضُ هٰذَا وَيُعْرِضُ هٰذَا وَخَيْرُهُمَا الَّذِي يَبْدَأُ بِالسَّلَامِ متفق علیه عن ابی
ایوب انصاری یعنی حلال نیست مرد را که ترک ملاقات کند برادر خود را زیاده از سه روز ملاقی شوند هر دو
پس اعراض کنند از یکدیگر بهتر از آنها کسی است که سبقت کند در سلام ابوداود از عائشه از آنحضرت روایت
کرده که فرمود که مسلمان را جائز نیست که زیاده از سه روز ترک کند برادر را پس وقتیکه یکی با دیگری ملاقات
کرد و سلام گفت سه بار و او جواب نداد گناه هر دو را بر خود گرفت و احمد و ابوداود از ابوهریره روایت
کرده که آنحضرت فرمود که حلال نیست مسلمان را که برادر خود مسلمان را زیاده از سه روز ترک کند اگر زیاده
از سه روز ترک کند و بمیرد داخل دوزخ شود و ابوداود از ابوهریره روایت دیگر بمضمون مذکور
نقل کرده که چون سه روز بگذرد باید که یکی با دیگری ملاقات کند و سلام گوید پس اگر او جواب داد هر دو
داخل ثواب شوند و اگر جواب نداد گناه بر دوم باقی ماند و او از گناه مهاجرت بری گردد و بیرون شد و فرمود
رسول الله إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الْحَدِيثِ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا تَحَاسَدُوا وَ
لَا تَبَاغَضُوا وَلَا تَدَابَرُوا وَكُونُوا عِبَادَ اللّٰهِ إِخْوَانًا وَفِي رِوَايَةٍ وَلَا تَنَافَسُوا يعنی
بپرهیزید از بدگمانی که بدگمانی دروغ ترین سخنها است یعنی اگر شخصی عیب کسی گوید
شنیده بر جاسوسی مکنید یعنی عیبهای مردم تفحص کرده یا فحش با هم حسد مکنید که از دیدن خوبی
یاری با خوشی [illegible] با هم بغض و عداوت مکنید و با هم تقاطع مکنید یعنی یکی بدیگری پشت کنید [illegible]
[illegible] باشید بندگان خدا با هم برادر و در روایتی آمده ولا تنافسوا یعنی هر کس شی نفیس را
[illegible] از آنحضرت فرمود که درهای بهشت [illegible] دوشنبه و
پنجشنبه گشاده [illegible] هر مسلمان [illegible] آن کس که با هم عداوت داشته باشند [illegible]

نکند از برای ایشان تا که باهم صلح کنند رواه مسلم عن ابی هریره مرویست که آنحضرت فرموده که روز قیامت
مردی مردی را بگیرد و گوید که تو با من حق کاری داری من ترا نمی شناسم آن مرد گوید که تو مرا به کار بد دیدی
یعنی نهی از منکر فرض است مگر در صورتیکه بداند که او قبول نخواهد کرد و رسول فرمود لا یرحم الله من
لم یرحم الناس متفق علیه عن جریر بن عبد الله یعنی رحم نمیکند خدا بر کسی رحم نمیکند بر مردم و
فرمود الراحمون یرحمهم الرحمن ارحموا من فی الارض یرحمکم من فی السماء
رواه ابو داود والترمذی عن عبد الله بن عمر یعنی رحم کنندگان را رحمن رحم میکند رحم کنید کسانی را
در زمین اند رحم کند بر شما حق تعالی که حکم او جاریست در آسمان و رحم کنند ملائکه آسمان و فرمود من لم یرحم
صغیرنا ولم یعرف کبیرنا فلیس منا رواه البخاری فی الادب وابو داود وعن ابن عمر یعنی
رحم نکند بر صغیر ما و نشناسد حق بزرگ ما پس از ما نیست و فرمود رسول نیست دروغگو کسی که صلح
کناند در مردم و نگوید نیک و برساند پیغام نیک این حدیث را در صحیح از ام کلثوم بنت عقبه روایت
کرده احمد و ترمذی از اسماء بنت یزید روایت کرده که گفت رسول حلال نیست دروغ گفتن مگر در
جا دروغ گفتن با زن برای راضی کردن او و دروغ در جنگ کفار یعنی بقسمیکه عذر نباشد و دروغ
گفتن برای صلح در مردم فرمود الا اخبرکم بافضل من درجة الصیام والصدقة
والصلوة صحابیان گفتند بلی یا رسول الله فرمود اصلاح ذات البین وفساد ذات
البین هی الحالقة رواه ابو داود والترمذی عن ابی الدرداء وقال هذا حدیث صحیح آنحضرت
اصحاب گفتند که خبر دهم شما را بچیزیکه افضل باشد در درجه از روزه و صدقه و نماز اصحاب گفتند آری
خبر ده یا رسول الله فرمود صلح کنانیدن در میان مردم فضیلت از روزه و صدقه و نماز و فساد کردن
در مردم حالقه است و فرمود آنحضرت دب الیکم داء الامم قبلکم الحسد والبغضاء هی
الحالقة لا اقول تحلق الشعر لکن تحلق الدین رواه احمد والترمذی عن زبیر یعنی
آمد بسوی شما مرضی که در امتهای پیشین بود باهم حسد کردن و بغض و دشمنی این صفت حالقه است یعنی
تراشنده نمیگویم که موی را می تراشد بلکه دین را میتراشد و فرمود آنحضرت پرهیز کنید از حسد بدرستیکه
حسد میخورد نیکویی ها را چنانچه میخورد آتش رواه ابو داود وعن ابی هریره و فرمود آنحضرت ایاکم وسوء
ذات البین فانها الحالقة رواه الترمذی عن ابی هریره یعنی پرهیز کنید از بدی در میان مردم
که این صفت تراشنده است دین را و فرمود آنحضرت من ضار ضار الله به ومن شاق شاق
الله علیه رواه ابن ماجه والترمذی عن ابی صرمة یعنی هر که ضرر رساند دیگری را خدا او را ضرر رساند

وهر که شفقت ورزد بر دیگری خدا او را شفقت ورزد و ترمذی از ابی بکر صدیق روایت کرده که فرمود آنحضرت صلعم
ملعون است کسی که مومنی را ضرر رساند یا مکر کند با آنها و ابو داود از سعید بن زید از پیغمبر صلعم روایت
کرده که فرمود بدترین ربا و بزرگترین ربا دراز کردن زبان است در آبروی مسلمان بغیر حق و رسول فرمود مَنِ اعْتَذَرَ اِلٰی
اَخِیْهِ فَلَمْ یَعْذِرْهُ وَلَمْ یَقْبَلْ عُذْرَهٗ کَانَ عَلَیْهِ مِثْلُ خَطِیْئَةِ صَاحِبِ مَکْسٍ رواه البیهقی
عن جابر یعنی هر که عذر خواهد سوی برادر خویش و او عذر قبول نکند باشد بروی گناه مانند گناه صاحب
راهداری بدان اسعدک الله که حق اخوت اسلامی بالاتر است از همه حقوق چرا که در حق قرابت نسبی پدر
و مادر واسطه اند و در اخوت اسلامی خدا و رسول خدا واسطه اند و رسول که حکم پدر همه مومنانست حق تعالی میفرماید
اَلنَّبِیُّ اَوْلٰی بِالْمُؤْمِنِیْنَ مِنْ اَنْفُسِهِمْ وَاَزْوَاجُهٗ اُمَّهَاتُهُمْ و در قرائت ابی بن کعب آمده شد
وَهُوَ اَبٌ لَّهُمْ یعنی نبی اولیست بتصرف در مومنان از نفس آنها و ازواج او مادران مومنانند
و او پدر آنهاست ولهذا حق تعالی فرمود اِنَّمَا الْمُؤْمِنُوْنَ اِخْوَةٌ فَاَصْلِحُوْا بَیْنَ اَخَوَیْکُمْ یعنی نیستند
مومنان باهم مگر برادران و بنابر اخوت اسلامی ملائکه برای مومنان استغفار میکنند حق تعالی میفرماید
اَلَّذِیْنَ یَحْمِلُوْنَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهٗ یُسَبِّحُوْنَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ الآیة و میفرماید الْمَلٰٓئِکَةُ یُسَبِّحُوْنَ
بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَیَسْتَغْفِرُوْنَ لِمَنْ فِی الْاَرْضِ یعنی حاملان عرش و آنها که گرد اوست تسبیح میکنند
با حمد پروردگار خود و استغفار میکنند برای کسانی که ایمان آورده اند و جای دیگر میفرماید فرشتگان تسبیح
با حمد میکنند پروردگار خود را و برای اهل زمین استغفار میکنند سوال اگر حق اخوت اسلامی از اخوت نسبی و
دیگر حقوق بالاتر است پس چرا اخوت نسبی در ارث مقدم تر است و حق تعالی میفرماید وَاُولُوا الْاَرْحَامِ بَعْضُهُمْ
اَوْلٰی بِبَعْضٍ فِیْ کِتَابِ اللهِ مِنَ الْمُؤْمِنِیْنَ وَالْمُهَاجِرِیْنَ یعنی اقربای نسبی بعضی بعضی
را اولی و بهتر اند از مومنان و مهاجران لهذا میراث در قرابت نسبی است نه در قرابت اسلامی و
رسول فرموده اَلصَّدَقَةُ عَلَی الْمِسْکِیْنِ صَدَقَةٌ وَهِیَ عَلٰی ذِی الرَّحِمِ ثِنْتَانِ صَدَقَةٌ
وَصِلَةٌ رواه احمد والترمذی والنسائی وابن ماجه عن سلیمان بن عامر جواب قرابت نسبی
وغیره که بالا مذکور شده اند همه آن باسلام مشروطست و بی اسلام معتبر نیست معنی آیت آنست که اولوا الارحام
مسلمان اند از مومنان و مهاجرین که قرابت نسبی ندارند بهتر اند و در وارث مقدم و مراد حدیث آنکه صدقه
بر مسکین مسلم اجنبی یک ثواب دارد و بر ذی رحم مسکین مسلم باشد دو ثواب دارد و لهذا اقربا اگر کافر
باشند میراث بآنها نمیرسد بلکه بعامه مومنین رسد در بیت المال که خزانه عامه مومنین است
داخل کرده شود و اگر پدر هم کافر باشند گو نفقه او بر پسر واجب است لیکن محبت و دوستی با وی نباید

کرد بلکه بیزاری باید نمود و قال الله تعالیٰ مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ
وَلَوْ كَانُوا أُولِي قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ
إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ
مِنْهُ یعنی نباشد نبی را و مومنین را که مغفرت خواهند برای مشرکان اگرچه باشند آنها صاحب
قرابت بعد از آنکه ظاهر شود ایشان را که آنها از اهل جهنم اند و نبود استغفار ابراهیم برای پدر خود
مگر از جهت وعده که پدر با وی کرده بود که اسلام خواهم آورد و لیکن هرگاه که ظاهر شد برو که این
دشمن خدا است از وی بیزاری کرد فایده حدیث كُلُّ نَسَبٍ وَصِهْرٍ يَنْقَطِعُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
إِلَّا نَسَبِي وَصِهْرِي حدیث صحیح است ابن عساکر از ابن عمر روایت کرده یعنی هر قرابت نسبی
و قرابت صهری و دامادی که باشد روز قیامت منقطع خواهد شد مگر قرابت نسبی و صهری من مراد ازین
آن نیست که قرابت همه مومنان و غیرهم منقطع خواهد شد مگر قرابت پاک من بلکه مراد آنست که همه مسلمانان
فرزندان من اند نسب و صهر مومنان منقطع نخواهد شد لیکن سر تخصیص آنست که حق تعالیٰ در حق مومنان
میفرماید وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا
أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ یعنی کسانیکه ایمان آورده اند و اولاد ایشان تابع ایشان شدند
در ایمان اولاد ایشان را در بهشت بمرتبه پدران ملحق خواهیم کرد و از عمل پدران کم نخواهیم کرد و هیچ
و نیز حق تعالیٰ میفرماید وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرِّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَنْ
آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا یعنی اموال کافران و اولاد آنها را بما نزدیک نخواهند کرد و لیکن کسی که ایمان
آورده است و عمل صالح کرده اموال و اولاد آنها را بما نزدیک خواهند کرد و در حق کافران فرموده
فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ یعنی نسبهای شان در میان شان نخواهند ماند در قیامت و فرموده
تَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ منقطع خواهد شد در میان شان اسباب وصلت ازین آیات دیگر
و احادیث نبوی معلوم میشود که نسب مومنان باقی خواهد ماند و یکی دیگری را مفید خواهد شد هم نسب
قرابت و هم سبب دوستی و غیره کافران را هیچ فایده نخواهد کرد يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ وَأُمِّهِ
وَأَبِيهِ وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ الْأَخِلَّاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ
یعنی روز قیامت بگریزد مرد از برادر خود و مادر و پدر و زن و فرزندان خود و دوستان آنروز
باهم دشمن خواهند شد مگر متقیان غرض ازین کلام آنست که در جمیع حقوق مذکوره هر کسیکه در
اسلام و تقوی افضل و اقوی باشد او برای محبت و صلت اولی و احق باشد والله اعلم

قسم هفتم دیگر از حقوق آنست که بنده باختیار خود بر خود لازم گرداند و آنهم در حقوق الله است و هم در حقوق
الناس و هر یک از آن سه قسم است قسمی آنست که سبب وجوب آن طاعت باشد دوم آنکه سبب وجوب آن معصیت
باشد سوم آنکه سبب وجوب آن امری مباح باشد **فصل** در حق الله که سبب وجوب آن طاعت است آن نذر است
بعبادت اگر نذر کند بعبادت مقصوده که از جنس آن عبادت فرض باشد چون نماز یا روزه یا صدقه یا حج خواه
آن نذر بلاشرط یا بشرط ملکه [?] موجب شکر باشد از نعمتهای دینی یا دنیوی چنانچه گوید که اگر بیمار من شفا یابد یا غائب
قدوم کند لله روزه [?] هم ایفای همچنین نذر فرض است بعد وجوب شرط قال الله تعالی ولیوفوا نذورهم
یعنی باید که وفا کنند نذرهای خود را و آنچه بعبادت غیر مقصوده کند چنانچه نذر کند که برای هر نماز وضوی جدید
کرده باشم ایفای آن مستحب است و واجب نیست و نذر بمعصیت باطل است چنانچه گوید که اگر بیماری شفا یابد سرود
کنانم رسول فرمود لا نذر فی معصیة الله یعنی نذر بمعصیت جائز نیست و نذر بامر مباح هم لغو است
و سوای خدا نذر کردن برای پیغمبر یا برای کسی از اولیا گناه است قریب بشرک **فصل** در حق الله تعالی
که سبب آن امر مباح است چون کفاره یمین در بعضی اوقات و قضای رمضان بعد افطار بسفر یا مرض بعض
روزه رمضان که سبب وجوب قضاست **فصل** در حق الله که سبب آن معصیت است چون حدود که
بسبب زنا یا سرقه یا شرب یا قذف واجب شود و کفارات که بسبب افطار روزه یا قتل خطا یا ظهار واجب شود
**فصل** در حق العباد که سبب آن طاعت است چون ایفای وعده چیزی که ضرور است قال الله و اوفوا
بالعهد ان العهد کان مسئولا یعنی وفا کنید عهد را بدرستیکه سوال کرده شود بدان و رسول
فرمود العدة دین رواه الطبرانی عن علی و ابن مسعود و روی ابن عساکر عن علی عنه صلعم العدة
دین ویل لمن وعد ثم اخلف ویل لمن وعد ثم اخلف ویل لمن وعد ثم اخلف
یعنی وعده چون دین است و هلاکت است مر کسی که وعده کند پس وفا نکند این کلمه سه بار فرمود و در صحیحین از
ابوهریره مرویست که رسول فرمود آیة المنافق ثلث زاد مسلم و ان صام و صلی و زعم انه مسلم
ثم اتفقا اذا حدث کذب و اذا وعد اخلف و اذا اؤتمن خان یعنی علامت منافق سه
چیز است و مسلم زیاده آورده گفته اگرچه روزه دارد و نماز گزارد و بگوید که من مسلمانم یکی آنکه وقتیکه سخن
گوید دروغ گوید و چون وعده کند وفا نکند و چون امانت سپرده شود خیانت کند و از عبدالله بن عمر مرویست
که رسول فرمود چهار چیز اند که این چهار در وی باشد منافق بود چون امانت سپرده شود خیانت کند و چون
سخن گوید دروغ گوید و چون عهد کند غدر و فریب کند و آن چون نزاع کند با کسی دشنام دهد در حق العباد
که سبب آن امر مباح باشد آن و ثبت مانند آن که بسبب بیع و شرا و اجاره و استجاره و [illegible]

استیداع و استقراض و نکاح و خلع و مانند آن لازم شود و ادای این حقوق یعنی تسلیم مبیع بعد قبض ثمن
بمشتری و تسلیم بضع بزوج و تسلیم مبیع بشفیع و ایفای ثمن و قرض و مهر و اجرت و رد عاریت و ودیعت
و مانند آن از فرائض مقام مخصوص است و از حقوق الله تعالی که احتمال مغفرت دارند اولی بالاداست
و در تلف این حقوق و عدم ادای دیون احتمال عدم مغفرت است رسول فرمود یُغْفَرُ لِلشَّهِیْدِ کُلُّ
ذَنْبٍ اِلَّا الدَّیْنَ رواه مسلم عن عبد الله بن عمر یعنی بخشیده میشود برای شهید هر گناه مگر دین فرمود
مَطْلُ الْغَنِیِّ ظُلْمٌ متفق علیه عن ابی هریرة یعنی درنگ کردن در ادای دین بعد میسر شدن ظلمست
جنازه پیش پیغمبر آمده برای نماز آنحضرت پرسید آیا بروی دین کسی هست گفتند که نه آنحضرت بروی
نماز خواند دیگر جنازه آمد پرسید که بروی دین کسی هست یعنی حق بندگان گفتند هست گفت مالی
گذاشته است گفتند آری سه دینار آنحضرت بروی نماز خواند سوم جنازه آمد پرسید که بروی دین
کسی هست گفتند آری سه دینار پرسید که چیزی مال گذاشته است گفتند نه فرمود شما نماز بروی
بخوانید ابوقتاده گفت یا رسول الله دین او بر خود گرفتم نماز بروی بخوان آنگاه نماز خواند
بخاری از سلمه بن اکوع روایت کرده و بغوی در شرح السنه از ابی سعید خدری روایت کرده که جنازه
آمد رسول علیه السلام پرسید که بروی دین هست گفتند آری آنحضرت پرسید که مقدار دین مال گذاشته
گفتند نه حضرت فرمود که شما خوانید علی رضی الله عنه گفت که دین او بر خود گرفتم آنوقت نماز خواند
و گفت علی را که حقتعالی ترا از بندها کشاده چنانچه تو بار خود را از بندها کردی مسلم از ابی قتاده
روایت کرده که مردی گفت یا رسول الله درحالیکه در قتال داده باشم حقتعالی گناهان من
بخشد فرمود آری مگر دین اینچنین جبرئیل من گفته و برای ادای مهر حقتعالی میفرماید وَآتُوا النِّسَاءَ
صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً یعنی بدهید زنان را مهرهای ایشان بخوشی دل یا از مال حلال بی شبهه یا بنا بر دیانت
و فرمود اَعْطُوا الْاَجِیْرَ اَجْرَهُ قَبْلَ اَنْ یَجِفَّ عَرَقُهُ رواه ابن ماجه عن ابن عمر و ابویعلی عن
ابی هریرة و الطبرانی عن جابر و الحکیم و الترمذی عن انس یعنی بدهید مزد مزدور را پیش از آنکه
خشک شود عرق او و رسول فرمود اِذَا دَعَا الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ اِلَی فِرَاشِهِ فَاَبَتْ فَبَاتَ غَضْبَانَ
لَعَنَتْهَا الْمَلَائِکَةُ حَتَّی تُصْبِحَ متفق علیه عن ابی هریرة هنگامیکه شوهر زن خود را بر فرش خود طلب کند و
او انکار کند شوهر بغصه بخوابد فرشتگان تا صبح بر آن زن لعنت کنند قال الله تعالی اِنَّ اللّٰهَ یَأْمُرُکُمْ
اَنْ تُؤَدُّوا الْاَمَانَاتِ اِلَی اَهْلِهَا یعنی الله تعالی حکم میکند شما را که امانتها را بمالکان شان وا کنید
فصل اگر شخصی اراده ادای دین داشته باشد و ادا میسر نشود و بمیرد امید است که حق تعالی در آخرت

وایشان را ورا بهشت سازد و او را بهشت برد رسول فرمود مَن تَدَايَنَ بِدَيْنٍ وَفِي نَفْسِهِ وَفَاؤُهُ ثُمَّ مَاتَ تَجَاوَزَ اللّٰهُ عَنْهُ وَأَرْضَى غَرِيمَهُ بِمَا شَاءَ وَمَنْ تَدَايَنَ بِدَيْنٍ وَلَيْسَ فِي نَفْسِهِ وَفَاؤُهُ ثُمَّ مَاتَ اقْتَصَّ اللّٰهُ تَعَالَى لِغَرِيمِهِ مِنْهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ رواه الحاكم عن ابی امامة

یعنی هر که معامله کند و دین بر وی لازم شود و اراده ادای آن دارد و بمیرد حق تعالی او را ببخشد و ایشان او را راضی سازد و هر که معامله کند و دین بر وی لازم شود و اراده ادا نداشته باشد عوض نماید حق غرمائی او را روز قیامت و طبرانی و حاکم هم از ابی امامه مثل این روایت کرده اند بدین عبارت مَنْ ادَّانَ دَيْنًا وَهُوَ يَنْوِي أَنْ لَا يُؤَدِّيَهُ فَمَاتَ فَقَالَ اللّٰهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيٰمَةِ إِنِّي لَآخِذٌ لِعَبْدِي بِحَقِّهِ فَيُؤْخَذُ مِنْ حَسَنَاتِهِ فَيُجْعَلُ فِي حَسَنَاتِ الْآخَرِ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ حَسَنَاتٌ أُخِذَ مِنْ سَيِّئَاتِ الْآخَرِ فَيُجْعَلُ عَلَيْهِ یعنی هر که بمیرد و اراده ادای دین نداشته باشد بگوید حق تعالی که من بنده خود را از این بگیرم پس حسنات مدیون بداین داده شود و اگر حسنات نباشد گناهان داین بر مدیون نهاده شود و طبرانی از ابن عمر روایت کرده که رسول فرمود دو قسم اند هر که بمیرد و نیت ادای دین داشته باشد پس من ولی او هستم یعنی او را بخشانم از حق تعالی دین او را ادا کنانم و هر که بمیرد و نیت ادای دین ندارد گرفته شود از حسنات او در آنروز درهم و دینار نیست همچنین ابن عمر از آنحضرت مرویست

**فصل**

وحقوق العباد که سبب آن معصیت است چون قتل نفس یا قطع عضو یا گرفتن مال کسی بغصب یا سرقه یا خیانت یا آبروی کسی بردن مثل دشنام و مانند آن یا غیبت ادای این حق رد مظلمه و استرضای مظلوم است بدون استرضای مظلوم عفو و مغفرت در اتلاف این حقوق نمیشود انشاء الله او در رسول فرمود الدَّوَاوِينُ ثَلٰثَةٌ فَدِيوَانٌ لَا يَعْبَأُ اللّٰهُ بِهِ شَيْئًا وَدِيوَانٌ لَا يَتْرُكُ اللّٰهُ مِنْهُ شَيْئًا وَدِيوَانٌ لَا يَغْفِرُهُ اللّٰهُ أَمَّا الدِّيوَانُ الَّذِي لَا يَغْفِرُهُ اللّٰهُ فَالشِّرْكُ وَأَمَّا الدِّيوَانُ الَّذِي لَا يَعْبَأُ اللّٰهُ بِهِ شَيْئًا فَظُلْمُ الْعَبْدِ نَفْسَهُ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ رَبِّهِ مِنْ صَوْمٍ تَرَكَهُ أَوْ صَلٰوةٍ تَرَكَهَا فَإِنَّ اللّٰهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَغْفِرُ ذٰلِكَ وَيَتَجَاوَزُ لِمَنْ يَشَاءُ وَأَمَّا الدِّيوَانُ الَّذِي لَا يَتْرُكُ اللّٰهُ مِنْهُ شَيْئًا فَظُلْمُ الْعِبَادِ بَعْضِهِمْ بَعْضًا الْقِصَاصُ لَا مَحَالَةَ رواه الحاكم واحمد عن عائشة رض یعنی نامهای اعمال سه گونه اند یکی آنست که حقتعالی آنرا هیچ نمی شمارد و دیگر آنست که آنرا هیچ نمیگذارد و دیگر آنست که آنرا هرگز نمی بخشد آن نامه که آنرا نمی بخشد هرگز آن شرک است و آن نامه که آنرا هیچ نمی شمارد آن ظلم بنده است بر نفس خود بترک حقوق حقتعالی از ترک روزه و نماز و مانند آن پس حقتعالی می بخشد این را هر کرا میخواهد و آن نامه که از آن هیچ نمیگذارد

انظلم بندگان است یکی بر دیگری در آن عوض قصاص خواهد شد البته و طبرانی و مانند آن از سلمان و
نیز از همچنین از انس روایت کرده اند و فرمود آنحضرت صلعم هر که باشد نزد او مظلمه برادر
خود باید که در دنیا از و ببخشاید که در روز قیامت نه دینار است نه درهم اگر ظالم را عمل صالح باشد
بقدر ظلم عمل او گرفته بمظلوم داده شود و اگر عمل صالح نباشد گناهان مظلوم از و بر ذمه داشته
ظالم نهاده شود رواه البخاری عن ابی هریرة و مسلم و ترمذی از ابو هریره روایت میکنند که رسول صلعم
از یاران پرسید که مفلس کدام کس باشد یاران گفتند مفلس کسی باشد که مال و متاع نداشته
باشد آنحضرت فرمود که مفلس از امت من کسی باشد که در روز قیامت حاضر شود با نماز و روزه
و زکوة لیکن یکی را دشنام داده باشد و یا تهمت زنا کرده باشد و کسی را مال خورده باشد و کسی را
خون ریخته باشد و کسی را زده باشد پس نشانیده شود و او را از عوض گرفته شود و هر یکی از حسنات او
بگیرد پس چون از حسنات او هیچ نماند و تمام حقوق که بر ذمه او بود ادا نشده باشد گرفته شود گناهان
مظلومان و نهاده شود بر وی پس او را در دوزخ انداخته شود و رسول فرمود ما من رجل تقرب
عبدا الله الا قید منه یوم القیمة رواه البزار والطبرانی عن عمار و عن ابی هریرة نحوه یعنی هیچ
مرد نباشد که زده باشد غلام خود را مگر آنکه عوض گرفته شود از وی روز قیامت و همچنین حاکم از
سلمان و سعد و ابن مسعود و غیرهم روایت کرده و همچنین طبرانی از ابی امامه ابی برده و انس
روایت کرده و بنا داد از ابراهیم نخعی روایت کرده که گفته بودند جماعه صحابه و تابعین میگفتند که
اگر مردی دیگری را گفت ای سگ یا خوک یا خر حق تعالی روز قیامت خواهد پرسید که تو دیده بودی که
این را سگ یا خوک یا خر آفریده بودم فایده ظلم چنانچه بر مسلم حرامست بر ذمی هم حرامست که
عهد با او بعهد رسولست صلعم تشکی رسول صلعم الا ذمی آید رسول فرمود من قذف ذمیا اقیم له
یوم القیمة بسیاط من النار رواه الطبرانی عن واثلة بن الاسقع یعنی هر که تهمت زنا کند بر ذمی
او را روز قیامت حد زده خواهد شد بدرههای آتش و فرمود الا من ظلم معاهدا او انتقصه
من حقه او کلفه فوق طاقته او اخذ منه شیئا بغیر طیب نفسه فانا حجیجه یوم
القیمة یعنی آگاه باشید هر که ظلم کند ذمی را یا کم کند از حق او یا تکلیف دهد او را زیاده از طاقت
او یا گرفت از وی چیزی بی رضامندی او پس من خصومت کننده باشم با وی روز قیامت فایده
باید دانست که هر گناهی که باشد سوای شرک جزای آن متناهی است اگر چه کثیر و شدید باشد لیکن
این احادیث آنست که حقوق عباد خصوصا مظالم هرگز مهمل گذاشته نشود و قصاص آن خواهد

مظلومان را از ثواب حسنات ظالمان داده شود تا وقتیکه هیچ از حسنات شان نماند پس اگر مظالم باقی ماند
از گناهان مظلومان بر ظالمان نهاده آنها را داخل دوزخ کرده شود پس هرگاه که جزای سیئات خود چشیده
شود اگرچه بعد مکث طویل مومنان ظالمان از مظالم پاک شوند آنزمان داخل بهشت کرده شوند
بمقتضای ایمان که جزای ایمان خلود در بهشت است چنین امام بیهقی گفته لیکن از شآمت
مظالم گاه باشد که ایمان سلب شود و نعوذ بالله منها حق تعالی از حسد و مظالم در پناه خود داره
شعر میاش در پی آزار و هرچه خواهی کن * که در شریعت ما غیر ازین گناهی نیست * یعنی در
شریعت محمدی مانند مظالم هیچ گناه نیست فایده اگر بر ذمه شخصی مظالم بود و از آن توبه کند و از
مظالم اجتناب کند و رد مظالم و استرضای مظلومان از مقدور او خارج باشد درینصورت امید
هست که حق تعالی خصمان او را روز قیامت راضی سازد و رسول فرمود رَجُلَانِ مِنْ اُمَّتِیْ
جَثَیَا بَیْنَ یَدَیْ رَبِّ الْعِزَّةِ تَبَارَکَ وَتَعَالٰی فَقَالَ اَحَدُهُمَا یَا رَبِّ خُذْ لِیْ مَظْلَمَتِیْ مِنْ
اَخِیْ فَقَالَ اللهُ اَعْطِ اَخَاکَ مَظْلَمَتَهُ فَقَالَ یَا رَبِّ لَمْ یَبْقَ مِنْ حَسَنَاتِیْ شَیْءٌ فَقَالَ اللهُ
کَیْفَ تَصْنَعُ لَمْ یَبْقَ مِنْ حَسَنَاتِهِ شَیْءٌ فَقَالَ یَا رَبِّ یَحْمِلُ مِنْ اَوْزَارِیْ وَفَاضَتْ عَیْنَا
رَسُوْلِ اللهِ صلعم بِالْبُکَاءِ وَقَالَ اِنَّ ذٰلِکَ یَوْمٌ عَظِیْمٌ یَوْمٌ یَحْتَاجُ النَّاسُ اِلٰی اَنْ یُحْمَلَ
عَنْهُمْ اَوْزَارُهُمْ فَقَالَ اللهُ اِرْفَعْ رَاْسَکَ فَانْظُرْ فِی الْجِنَانِ فَرَفَعَ رَاْسَهُ فَقَالَ
یَا رَبِّ اَرٰی مَدَائِنَ مِنْ فِضَّةٍ مُرْتَفِعَةٍ وَمِنْ ذَهَبٍ مُکَلَّلَةٍ بِاللُّؤْلُؤِ لِاَیِّ نَبِیٍّ
اَوْ لِاَیِّ صِدِّیْقٍ اَوْ لِاَیِّ شَهِیْدٍ هٰذَا فَقَالَ هٰذَا لِمَنْ اَعْطَی الثَّمَنَ قَالَ رَبِّ
وَمَنْ یَمْلِکُ ذٰلِکَ قَالَ اَنْتَ تَمْلِکُهُ قَالَ لِمَ قَالَ لِعَفْوِکَ مِنْ اَخِیْکَ قَالَ رَبِّ
اِنِّیْ عَفَوْتُ عَنْهُ قَالَ اللهُ تَعَالٰی خُذْ بِیَدِ اَخِیْکَ فَاَدْخِلْهُ الْجَنَّةَ ثُمَّ قَالَ رَسُوْلُ
اللهِ صلعم اِتَّقُوا اللهَ وَاَصْلِحُوْا ذَاتَ بَیْنِکُمْ فَاِنَّ اللهَ یُصْلِحُ بَیْنَ الْمُؤْمِنِیْنَ یَوْمَ
الْقِیٰمَةِ رواه الحاکم و البیهقی و سعد بن منصور عن انس یعنی دو مرد از امت من دو زانو
نشینند پیش رب العزت پس یکی بگوید ای پروردگار مظلمهٔ من از برادر من بگیر حق تعالی
او را بفرماید که بده مظلمه این برادر خود را او بگوید ای پروردگار هیچ از حسنات باقی نمانده
است حق تعالی مظلوم را بفرماید چه میکنی از حسنات او هیچ باقی نمانده است او گوید ای
پروردگار گناهان من از من بردارد از شنیدن چشم مبارک آنحضرت صلعم اشک ریخت
و فرمود که آن روز سخت روز باشد مردم محتاج شوند به آنکه کسی گناهان من بردارد حق تعالی

مظلوم را بفرماید که سر بردار و ببین در بهشت پس سر بردارد و بگوید که الٰهی شهرهای بینم از نقره و طلا
مرتبه و از زر مرصع بمروارید برای کدام نبی یا کدام صدیق یا کدام شهید خواهد بود این شهرها حق
فرماید که این برای کسی است که بدهد قیمت بگوید ای پروردگار کیست مالک این قدر حق تعالی فرماید
که تو مالک قیمت آن هستی بگوید از چه چیز فرماید که بخشیدن حق خود برادر خود را او گوید یا رب
بخشیدم از وی حق تعالی فرماید که بگیر دست این برادر و داخل بهشت کن پس رسول فرمود ای
مردم بپرهیز کنید از عذاب خدا و نیکوکاری با خود کنید که حق تعالی روز قیامت در میان مسلمانان
آشتی خواهد کنانید یعنی هر که را خواهد و رسول فرمود روز قیامت چون بهشتیان داخل بهشت شوند
و دوزخیان یعنی کافران داخل دوزخ یک آواز دهنده آواز دهد که ای اهل جمیع مظالم با هم بخشید
و ثواب شما بر خداست رواه الطبرانی عن انس عن النبی صلی الله علیه وسلم و امام محمد غزالی گفته که این
احادیث محمول اند بر کسیکه از مظالم توبه کند و آینده ترک دهد و اینها ثواب باشند که حق تعالی در
شان آنها میفرماید انه کان للاوابین غفورا قرطبی گفته که این تاویل خوب است بحکم عام
نیست اگر عام بودی کسی داخل دوزخ نشدی سوال اگر شخصی دیگری ظلم کرد بر نفس یا مال
یا آبرو مظلوم را انتقام آن جائز باشد یا نه جواب انتقام بمثل مظلمه جائز است و زیاده از آن
حرام است و عدم انتقام افضل و اولی قال الله تعالی فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی
علیکم یعنی عوض کنید بروی مانند آنچه او ظلم کرده است بر شما این مرتبه ابا حق است و قال
الله تعالی وان عاقبتم فعاقبوا بمثل ما عوقبتم به ولئن صبرتم لهو خیر للصابرین
واصبر وما صبرک الا بالله یعنی اگر عوض کنید پس عوض کنید مانند آنچه بر شما کرده است
و اگر صبر پس صبر بهتر است برای صبر کنندگان صبر کن ای محمد و نباشد صبر تو مگر بتوفیق و مدد الله
او سبحانه قال الله تعالی وجزاء سیئة سیئة مثلها فمن عفا واصلح فاجره علی الله انه
لا یحب الظالمین ولمن انتصر بعد ظلمه فاولئک ما علیهم من سبیل انما السبیل
علی الذین یظلمون الناس ویبغون فی الارض بغیر الحق اولئک لهم عذاب
الیم ولمن صبر وغفر ان ذلک لمن عزم الامور یعنی جزای بدی آنست که مثل آن
بدی کرده شود پس هر که عوض نکند و ببخشد و آشتی جوید پس ثواب او بر خداست بدرستیکه حق تعالی
ظالمان را دوست نمیدارد یعنی دشمن میدارد و هر که عوض گیرد بعد مظلومیت پس نیست بر وی
حرجی سوا [illegible] آخرت بر کسیکه ظلم کند بر مردم و فساد کند در زمین ناحق آنها را عذاب الیم

و هر که صبر کند و ببخشد مظلمه خود را بدرستیکه بهترین چیزها است رسول فرمود المستبان ما قالا
فعلى البادي منهما ما لم يعتد المظلوم رواه احمد و مسلم و ابو داود و الترمذي عن ابي هريرة يعني
دو کس که باهم بدگویی کنند گناه هر دو بدگویی بر کسی است که اول گفته تا که ثانی زیاده نکند از آنچه
اول گفته است و فرمود آنحضرت ع المستبان شيطانان يتهاتران ويتكاذبان رواه احمد
والبخاري في الادب بسند صحيح عن عياض بن حمار یعنی دو کس که باهم بدگویی میکنند هر دو شیطان
اند باهم کلام باطل میگویند و باهم دروغ گویی میکنند و قال الله تعالى ولا تستوي الحسنة ولا
السيئة ادفع بالتي هي احسن فاذا الذي بينك وبينه عداوة كانه ولي حميم وما
يلقاها الا الذين صبروا وما يلقاها الا ذو حظ عظيم واما ينزغنك من الشيطن
نزغ فاستعذ بالله انه هو السميع العليم یعنی نیکی و بدی یکسان نیست پس که نیکی تواند
کرد بدی چرا اختیار کند بدی را به نیکی دفع کن یعنی اگر کسی با تو بدی کند تو عوض آن نیکی کن
ازین عمل بدی او برطرف شود اگر بخشش کنی پس کسیکه با تو دشمنی دارد دوست یگانه قریب
خواهد شد و اخذ نخواهد کرد این صفت را مگر صابران و اخذ نخواهد کرد این صفت را مگر کسیکه نزد خدا
نصیب کامل دارد و اگر وسوسه بخاطر تو رسد از طرف شیطان که باز دارد از عمل پس پناه جو از خدا
بدرستیکه خدا سمیع علیم است ترا پناه دهد مردی گفت یا رسول الله مرا چند غلام اند که مرا دروغ گو
میگویند و خیانت میکنند و نافرمانی میکنند و من آنها را میزنم و دشنام میدهم پس چگونه باشد مرا
از آنها آنحضرت فرمود که خیانت و تکذیب و عصیان آنها با عقاب تو حساب کرده خواهد شد پس اگر
عقاب تو از عصیان آنها کم خواهد بود ترا فضیلت خواهد بود و اگر عقاب تو بقدر گناه آنها خواهد بود
برابر خواهند شد و اگر عقاب تو از گناهان شان زیاده خواهد بود بقدر زیادتی از تو عوض گرفته خواهد
شد آن مرد گریستن و آواز بلند کردن گرفت رسول فرمود آیا قرآن نخوانده ونضع الموازين القسط
ليوم القيامة فلا تظلم نفس شيئا وان كان مثقال حبة من خردل اتينا بها وكفى بنا
حاسبين یعنی خواهیم نهاد ترازوهای عدل روز قیامت پس ظلم نکرده خواهد شد هیچکس چیزی
و اگر خواهد بود ظلم بوزن دانه خردل خواهیم آورد و بس ایم حساب کننده آن مرد گفت یا رسول الله
بهتر چیزی نمی یابم از جدا کردن آنها بدرستیکه من ترا شاهد میکنم که آنها را آزاد کردم رواه احمد و
ترمذی عن عائشة رض شعر بدی را بدی سهل باشد جزا * اگر مردی احسن الی من اسا *
تذییل در حسن خلق و نرمی خدمت تکبر حق تعالی در حق رسول کریم فرموده وانك لعلى خلق عظيم

بدرستیکه تو بر خلق عظیم هستی و فرموده فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللّٰهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيْظَ الْقَلْبِ
لَانْفَضُّوْا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ یعنی بسبب رحمت خدا که
بر تست نرم شدی تو برای مردم یعنی کریم و رحیم شدی و اگر میبودی بدخلق سخت دل هر آینه جدا
میشدند از گرد تو پس ببخش تقصیرات شان را و دعای مغفرت کن برای آنها اگر تقصیری کنند
و در هر کار با آنها مشورت کن و حقتعالی در حق خاصان خود میگوید وَعِبَادُ الرَّحْمٰنِ الَّذِيْنَ
يَمْشُوْنَ عَلَى الْاَرْضِ هَوْنًا وَّاِذَا خَاطَبَهُمُ الْجٰهِلُوْنَ قَالُوْا سَلٰمًا یعنی بندگان خاص آنکه اند
که راه میروند بر زمین بنرمی و اگر جاهلان با آنها خطاب بجهل میکنند آنها در جواب آن کلامی گویند
که موجب سلامت باشد از ایذا و گناه رسول فرمود هر که از رفق و نرمی محروم شد از هر خیر محروم
شد رواه مسلم عن جریر و فرمود محبوب ترین شما نزد من کسانند که اخلاق نیک دارند رواه البخاری
عن عبد الله بن عمرو و در صحیحین هست بهترین شما نیک خلق تر شماست و رسول فرمود اِنَّ
الْمُؤْمِنَ لَيُدْرِكُ بِحُسْنِ خُلُقِهٖ دَرَجَةَ قَائِمِ اللَّيْلِ وَصَائِمِ النَّهَارِ رواه ابوداود یعنی بدرستیکه
مومن در می یابد بنیک خوئی خود مرتبه کسی که تمام شب نماز گزارد و در روز همه روزه دارد و فرمود بُعِثْتُ
لِاُتَمِّمَ حُسْنَ الْاَخْلَاقِ رواه مالک فی الموطا و رواه احمد عن ابی هریرة یعنی مبعوث
کرده شدهام تا که تمام کنم حسن اخلاق را و رسول فرمود مَنْ تَوَاضَعَ لِلّٰهِ رَفَعَهُ اللّٰهُ رواه ابو نعیم
فی الحلیة عن ابی هریره و در حدیث قدسی است اَلْكِبْرِيَاءُ رِدَائِيْ وَالْعَظَمَةُ اِزَارِيْ فَمَنْ نَازَعَنِيْ
فِيْ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا قَذَفْتُهٗ فِي النَّارِ رواه احمد و ابوداود و ابن ماجه عن ابی هریرة و ابن ماجه
عن ابن عباس و روی الحاکم عن ابی هریره اَلْكِبْرِيَاءُ رِدَائِيْ فَمَنْ نَازَعَنِيْ فِيْ رِدَائِيْ
قَصَمْتُهٗ یعنی حق تعالی میفرماید کبریا و تکبر چادر منست و عظمت و بزرگی ازار منست هر که کشاکشی
کند با من چیزی ازین هر دو بیندازم او را در دوزخ و در روایتی هر که چادر من کشد هلاک کنم او را
شعر دادیم ترا ز گنج مقصود نشان * گر ما نرسیدیم تو شاید برسی * رَزَقَنَا اللّٰهُ سُبْحَانَهٗ
مِنَ الْخِصَالِ مَا يَرْضَاهُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ تَعَالٰى اَوَّلًا وَّاٰخِرًا وَالصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ وَالْبَرَكَةُ
عَلٰى رَسُوْلِهٖ وَاٰلِهٖ وَصَحْبِهٖ وَمُتَّبِعِ سُنَّتِهٖ بِعَوْنِهٖ تَعَالٰى

در مطبع محمدی واقع لاهور بفرمایش تاجران نامی فقیر الله و عبد العزیز
و ابن احمد جامی فهم الله رزقا و سعا مطبوع گردید